

نتایج انتخابات و بی‌آمدهای آن

از بحران موجود در ایران یکسود در حل تضاد های درونی حاکمیت بمنظور دست یابی به حداقل اشکال منجم درونی و از سوی دیگر توسل به دیکتاتور آنگار روسیست بقیه در صفحه ۲

گسترش و عمق یابی بحران سیاسی، رشد روزافزون نارضاضی عمومی و گسترش اشکال مبارزات آشکار و تعرض توده ها با شرایط دشوار و سخت بحرانی روبرو شده بودند، سرانجام تنها راه رها نشی

انتخابات دوم مرداد که منباید لایحی سیاسی تبلیغاتی برای رژیم جمهوری اسلامی از اهمیت ویژه ای برخوردار بود، بیایان رسید. سرانجام جمهوری اسلامی که بدنیا آمد، تشدید تضادهای درونی هیئت حاکمه

شرایط نوین، سازماندهی نوین

رفقا! دوران خاصی را میگذرانیم. از یک طرف ضد انقلاب حاکم عزمش را جزم کرده است تا بهر قیمت که شده برنا مهی را به اجرا درآورد و ده ماه قبل (بهمن ماه ۵۹) بتصویب رسانده بود (اشاره به سند افشا شده در کار شماره ۱۱۰) و مبارزه حاد طبقاتی و تضادهای درونی فرصت پیدا کرده کردن - آن را بوی نفاذ داده بود. اکنون که از شر جناح مخالف راحت شده است میگویند و تلاش گسترده ای را آغاز کرده تا انقلاب را بکلی درهم کوبد، با یستن کشاکن خاتمه دهد، "نظم" را برقرار سازد و بیدغدغه و فارغ از افشاگریهای وحشتناک (۱) گروههای سیاسی به بستن قراردادها بپردازد و نظام سرمایه داری وابسته را بازسازی کند. از طرف دیگر یک دوران انقلابی را میگذرانیم. بحران اقتصادی - سیاسی و اجتماعی آنچنان حاد و عمیق است که احیای مجدد مبارزات توده ها کا ملا" بدیهی است و اعتراضات و اعتصابات وسیع و گسترده توده بسی در چشم انداز نزدیک کا ملا" محتمل است. بقیه در صفحه ۷

خمینی چه گفت؟ خمینی چه کرد؟ (۲)

صفحه ۱۳

رژیم جمهوری اسلامی دیکتاتوری ارتجاعی یا دموکراسی انقلابی (۲)

ما در شماره گذشته به تشریح با فیهای رهبران اکثریت دربار قدرت حاکمه اشاره نمودیم و گفتیم که آنها با تحریف حقایق آشکار، ماهیت و خلعت قدرت حاکمه را دگرگون جلوه داده و آنرا دموکراسی انقلابی معرفی می کنند و از این طریق به توجیه سیاستهای سازشکارانه خود می پردازند. البته آنها تاکنون تحلیل کاملی از ترکیب، خلعت و ماهیت قدرت حاکمه ارائه نداده اند و هیچگاه بطور جامعی بقیه در صفحه ۶

لایحه احزاب در کنار رژیم جمهوری اسلامی به بایگانی تاریخ سپرده خواهد شد

مجلس طی دوسه جلسه، رسیدگی به طرح لایحه احزاب را که توسط حزب جمهوری اسلامی تدوین شده بود خاتمه داد و در ۱۸ تیرماه با ۱۱۱ رأی موافق آنرا بتصویب رساند. این قانون در شرایطی بتصویب می رفته که جامعه ایران اقتصاداً - اجتماعی ژرفی روبرو ست و بقیه در صفحه ۸

کارگران چه میگویند؟

صفحه ۲

در این شماره

● جنبش جهانی

● حمایت از ایراندو فریبی دیگر

● کشتار و سرکوب انقلابیون...

● از اعلامیه ها... کارگران پیشرو

توطئه های صهیونیست ها، امپریالیست ها و ارتجاع عرب در نابودی جنبش فلسطین و حکومت به شکست امپریالیست

های بنا هندگان فلسطینی را در جنوب لبنان زیرا تش توپخانه های دوربرد و بمبارانهای شدید قرار داد رژیم اسرائیل با حملات گسترده به مناطق مسکونی، ساختمان دانشگاه، مهندسی دانشگاه عربی بیروت، بالایشگاهها و از جمله زهرانی و ارتفاعات اطراف آن، قصد داشت از یکسویه هدف نهائی اش که خلع بقیه در صفحه ۱۵

پس از شکست طرحهای توطئه گرانسه امپریالیستها که در قالب ما موریت فلسطین حبیب نمایند و ویژه ریکان در خاور میانه شکل گرفته و مشخما "سرکوب انقلاب فلسطین و نفی حقوق این خلق رزمنده را هدف قرار داده بود، از دو هفته پیش رژیم صهیونیستی اسرائیل بکمک تجربه طلبن لبنان برهبری سرگرد مزدور سعید حداد، بار دیگر دهکده ها، شهرها و اردوگاه



نتایج انتخابات و...

بقیه از صفحه ۱

ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای سیاسی توده‌ها یا فتنه‌یوسا بر این بمنظور تحقق این سیاست از یکسویه‌گردیده‌است لیبرال‌ها از حاکمیت، از جمله عزل بنی صدر از ریاست جمهوری و از سوی دیگر سرکوب توده‌ها، با زداشت و اخراج رگران، دستگیری و اعدام انقلابیون پرداختند. این اقدامات سرکوبگرانه و توطئه‌گرانه رژیم جمهوری اسلامی که بی‌انگسز فقدان پایگاه توده‌ای، بی‌اعتباری روزافزون و ناتوانی آن در حل بحران کنونیست، موجب خسوف و انزجار توده‌های میهن ما و زحمتکشان و محافل مترقی میهن را برانگیخت، موج اعتراضات از همه‌سوی سرزمینها را برانگیخت و آنرا در سطح داخلی و جهانی با بی‌اعتباری روزافزونی روبرو ساخت. مجموعه این شرایط رژیم را واداشت که تا بدینجا از طریق انتخابات برای خود وجهه و حقایق مثبتی کسب کند، رژیم‌دارین انتخابات گوشتنا و لاچنین وانمود کند که سرکناری بنی‌صدر از ریاست جمهوری نه طبق یک توطئه حساب شده حزب جمهوری اسلامی و خمینی، بلکه بنا به میل و اراده انقلابی توده‌های مردم و بدست آنها صورت گرفته است، و تا نیا سرکوب نیروهای انقلابی موجدان ما، با زداشتها، اخراجها و خلاصه برقراری رژیم تروری و اختناق نه ناشی از رعب و هراس و فقدان پایگاه توده‌ای رژیم، بلکه دقیقاً از خواست توده‌های مردم ناشی می‌شود. در یک کلام هدف رژیم از انتخابات اخیر این بود که به‌جانب نیا اعلام کند، رژیم می‌مورد اعتنا ندوده‌است و با ننگ، پایگاه توده‌ای (یعنی همان آرائی که مسمی با بیستی از صندوق‌های رای بیرون آورده شوند) از توانائی و وثیقت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. طبیعی است در چنین شرایطی همه شکوه که قبلاً نیز بیان شده است و گردیم می‌بایستی بیش از ۹۰ درصد آراء را از صندوق‌های رای بیرون آورد. اکنون پس از ذکر این مقدمات بسسه چگونگی برگزاری انتخابات، شیوه‌های رژیم و بی‌مه‌های آن بپردازیم.

هیئت حاکمه از زمان نخستین روزهای اعلام برگزاری انتخابات، تمام امکانات مادی و معنوی، تمام امکانات تبلیغاتی و سرکوبگرانه، تمام حیل‌ها و شیرینکها را بدست گرفت و به‌روسیله‌های متوسل شده بهترین نیروی ممکن را برای شرکت در انتخابات بسیج کرد.

آیت‌الله خمینی یکماه قبلاً از انتخابات با صدور یک فتوا، شرکت در انتخابات را وظیفه شرعی قلمداد نمود و از همه مسلمانان ایران خواست که در این انتخابات شرکت کنند. این فتوا، اطمینان‌بخش‌ترین تبلیغاتی رژیم طی یک ماه گذشته بود. با بر مراع تقلید نیز به دنبال فتوای خمینی، فتاوی خود را مبنی بر اجباری بودن شرکت مردم در انتخابات ما در کردند. رادبو - تلویزیون تبلیغات وسیعی را حول فتاوی "مراجع تقلید" آغاز کرد و تریبیونهای نمازهای جمعه و ائمه جماعت نیز بکار گرفته شده ضمن بر شمردن "اعتامی" عدم شرکت در انتخابات و سرپیچی از فرمان "تایب امام" و مزایای شرکت در آن، ثواب‌های دنیوی و اخروی آن - - برپا ختند، تا شاید تکیه بر احساسات مذهبی توده‌ها بکما رد دیگر آنها را بیای صندوق‌های رای بکشند. روز انتخابات نیز درست پس از ۲۱ ماه رمضان انتخابات تا احساسات مذهبی توده‌ها به آخر رسان درجه برانگیخته شود، کوبیا رژیم نیز به خوبی درک کرده است که حتی خمینی نیز

دیگر چندان وجهه، اعتبار و آبروشی نزد توده‌ها ندارد و تنها مذهب است که تا بسد بتواند تکیه بر گرفته شود. رژیم کسه هنوز مرکب فرا ردا‌های جدیدش با امپریالیستهای انگلیسی، فرانسوی و ژاپنی خنک نشده است و تاکنون چندین میلیارد دلار اسلحه و مهمات از امپریالیسم آمریکا وارد کرده است و با رهشمارهای مرگ‌سیر امپریالیسم و مرگ بر آمریکا بیادش - افتاد، تا شاید از این طریق نیز بخشی از توده‌ها را بدینحال خودبکشد، با‌الخره کار بجائی کشید، که "انقلاب سوم" علیم شد.

تمام امکانات تبلیغاتی موجود، رادیو، تلویزیون، مطبوعات، امکانات چاپ دولتی و خصوصی، گروه‌های سازمان یافته بسیج، ماشینها و بیلندگوهای دولتی و دست‌آخرم‌هایی کویترهای ارتشی - که برای پخش اعلامیه بکار برده شدند - همه و همه بکار افتاد تا با سلی از دروغ و فریب، تهدید و تطمیع مردم را بیای - صندوق‌های بکشند.

اما این تنها حربه رژیم نبود: جوسو تهدید و رعب، با زداشتها و گشتارهای دستجمعی، اخراج و یا زداشت کارگران و دیگر نیروهای انقلابی، خانه‌گردی، ممنوعیت انشأ ره‌گروه‌های مخالف هرگونه میتینگ، نظارات، راهپیمائی و بطور کلی تبلیغات مخالفین، اختناق کامل و مضک تراز همه حذف کاتیدها، خیانتکاران حزب توده و جناح راست اکثریت و حتی شایعه‌سازی، حربه‌های دیگر رژیم بود.

کارخانجات تا بعه‌سازی رژیم بکسار افتاد "گوشنا سنا مه مهر نخورد کوبس نمی‌دهند"، "گوشنا سنا مه مهر نخورد از کار اخراج می‌کنند"، "گوشنا سنا مه مهر نخورد مدرس شیت نام نمی‌کنند"، "اگر شنا سنا مه مهر نخورد... رژیم به کشف ترین شیوه‌ها متوسل شد، جیره‌خوارانش را نیز در ادارات، کوجه و خیا تها و کارخانجات و محلات موظف نمود تا این شایعات را در میان بزنند. از یکماه قبیل از انتخابات در مواردمتعدد، افرادی که به‌بها تها‌ی مختلف به کمیته داده‌اند - سیاسی - ایدئولوژیک، انجمن اسلامی فراخوانده می‌شدند مهربهای قبلی شنا سنا شان کنترل می‌شد و این خود با دوری - نروم مهربی بود. رژیم بدینصورت - توده‌ها را که با فقر و فلاکتی خانمانسز انداز دست بگیرد نند در زیر شدیدترین فشارها قرار داد. از سوی دیگر دست مزدوران بی‌جیره و مواجب رژیم با زنها دشتنا مگر خیا شنگاران اکثریتی راست و توده‌ای بتوانند در فریب مردم، و در پهای صندوق کشاندن آنان موشر افتند، غافل از اینکه این خائنین نیز به‌اندازه رژیم رسوا و منفرود توده‌ها - یند. تمام این طرفندها کای نبود، میبایست تعداد درای دهندگان را تا می‌توان بیشتر کرد، طرح ولایحه بکار افتاد عروسکان رژیم در مجلس آنرا تصویب کردند و سن رای‌دهندگان به ۱۵ سال تقلیل داده شد. بهررو، زور و زور و زور، "بسر و باد و مه و خورشید و فلک همه، بکار گرفته شد تا مگر اینها رنیز حضور توده‌ها در پهای صندوق‌های رای شنا سنا مه خیا شت و سر - کوب رژیم مهربی بزند...

رژیم بدینطریق مقدمات انتخابات ریاست جمهوری و تکمیل نمایندگان - مجلس شورای - که از سرترس و زوحشت شکار و تجربه مفتضا نه انتخابات میان دوره‌ای اینبار هم‌زمان برگزار گشتند، فراهم آورد.

هم‌رژیم و هم توده‌ها نتیجه‌ای را از پیش میدانستند، نتیجه از قبیل برای همه روشن بود "رای‌های میلیونی" -

استقبال وسیع و همه‌جانبه، حضور فعال و دشمن شکن در صحنه "آراء" بیسابقه‌ای که به "اسام" هم‌همیشه بیدار و بدست سردمداران و مزدوران نشان در صندوق ریخته شده و با‌الخره کاتیدها‌های مورد نظر حزب، همه چیز از قبیل روشن بسود چنانچه راجائی نیز بدون کمترین دغدغه از هفتاپیش برنا مه‌ها پیدا که در هیوان موعود ریاست جمهوری بیادخواهد کرد عیان نشمیرد و با بقول معاون وزارت کشور که در روز دوم مرداد در درامی گفت "۴۰ میلیون تعرفه انتخاباتی ارسال کرده ایم اما کم آمده است. - مساله تنها بر سر حضور یا عدم حضور توده‌ها در پهای صندوق‌ها بود و بس. رژیم تنها خواستش این بود که پای صندوق‌ها خالی شنا سنا و از اینرو سنا مه مهر نخورد شنا سنا راه آنچنان عمده کرد که حتی رستا خیربان نیز نگردد، و از اینرو کازا حتی به تهدید علنی از طریق بسیج محلات و از طریق مساجد و نا‌نرها رسا نید که "اگر رای ندهید، شنا سنا می‌شوید" و عواقب بدش نیز از روز روشن تراست. در برخی موارد زنان حزب الهی در محله‌های خود به‌مناسبت رجوع کرده و از زنان محله‌های خواستند که دستجمعی در انتخابات شرکت کنند. و حتی در روز آخر نیز وزارت کشور در پهای خود از "امت همیشه بیدار" - خواست تا به‌رای دادن "کشف نکنند" و در پهای صندوق‌ها شند و از آن حفاظت کنند، بهر حیل میبایست از حاکم پهای صندوق‌ها را بجا دگرد و از اینجهت رژیم به حیل‌های متفاوتی متوسل شد از جمله در تهران از سوی تعداد صندوق‌ها را به حدود ۲۰۰۰۰ عدد (۱۹۶۰ عدد) رسا دشتنا خلوت بودن پای صندوق‌ها را به‌ای تعددان - بنه‌ما از سوی دیگر اکثریت قریب به اتفاق صندوق‌ها را در محلات شمال شهر - مشرک‌ساخت و تعداد معدودی را به جنوب شهر اختصاص داد تا بدینطریق بتوانند با فیلمها "تبلیغات" ش بقولاند که "گوششنا" هنوز هم ما رژیمند.

بهررو انتخابات برگزار شد، انتخاباتی که حتی در آن به توده‌ها اجازه داده نشد تا از میان سرکوبگران خود یک تن را برای آسال انتخاب کنند، تمام می‌گاتیدها‌ها که از یک حزب بودند پس - انتخاب نیز از پیش انجام گرفته بود، - حزب بودن کاتیدها این ویژگی را نیز ایجاد میکرد که حزب سرکوبگر، بشکلی مطلق العنان تمام می‌کارها را در دست داشت از تهیه و تدارک تا نظارت و شمارش آراء و تا انتخاب مهره‌ها. انتخاباتی که در آن افراد تا ۱۵ سال مجاز به رای - دادن بودند اما بسیاری ده سالگان نیز رایگیری شدند - و آنچنان وقیحا نه‌که در فیلمهای تبلیغاتی تلویزیون نیز حضور آنان کتمان نشده بود - انتخاباتی که رای دادش نیز به "شنا سنا مه عکس - دار" داشت اما بسیاری می‌شنا سنا مه، با شنا سنا مه سر، با کارت شنا سنا می و حتی با گروهبان ریشا رای دادند، و با رها نیز رای دادند - انتخاباتی که در آن هرگونه "اعمال نظراً فرد دست اندرکار" ممنوع بود، اما در حوزه‌ها علناً "رای - دادن به راجائی نه تنها تبلیغ میشد، بلکه به‌جدا جدا رسیده بود. انتخاباتی نه تنها تک حزبی، بلکه تک مهره‌ای

بی تفاوتی و عدم استقبال توده‌ها از انتخابات

اما توده‌ها تمام این حیل‌ها و طرفندها را به ریشخند گرفتند. توده‌ها بقیه در صفحه ۱۷



کارگران چه می گویند؟

بسته‌های برررسی نظریات کارگران در مورد مسائل مختلف، حاکمیت، اعدام انقلابی، انفجار در سربازان جمهوری اسلامی، اخراجیها و اسخا با رأی است جمهوری است. این بررسی شامل نظریات کارگران پسر و عمدتاً کارگران مساف است.

الف - سرخوردن حاکمیت: از آنجا که کارگران بیشترین سوهمراست به حسنی داشته اند و او آخرین و مهمترین چهره جمهوری اسلامی است که کارگران در پیرویه حرکت به ما هشتن پی برده اند، اکثر صحبتها ی کارگران حول گفته‌ها و کرده‌های او دور میزند:

کارشناسی بعد از عزل بی‌درمیت حمنی میگوید: "مگر حمنی تمسکت که میزان رأی ملت است پس چرا او را اندوم میزند؟" این حمنی خیال میکند که خودش بود که شاه را بیرون کرد که اینقدر منم منم میکنند پس مردم چکاره بودند هنوز روی دیوارها نوشته هر کس بگوید من، این من شیطان است."

"بسی صد که رئیس جمهور مملکت است، پدرش را در آوردند و ای حال ما کارگران که هیچ‌چشمی ننداریم. "در این مملکت دویا زهیا به را بیروز - گذاشته اند آنها میکنند میزان رأی - ملت است. خوب پس چرا به (۱۱ میلیون رأی مردم) عسایر نمیشود پس میزان رأی ملت نیست، زور است."

"آقا گفته هر کس مخالفت کند دستش را قطع می‌کنم. اگر ایسجوری یا شد تمام مردم ایران بی دست میشن. "حمنی می‌کند همه با بیاد زانسان حمایت کنند حتی اگر به ضرورتان باشد. خوب اگر اینطور بود پس چه مرضی داشتیم انقلاب کنیم قانون آزیا مبری بود دیگره اقتدار کشته پیدا دیم. "حرفهای آخر حمنی با ناه هیچ حرفی نداشت."

ب - اعدام انقلابیون: اکثریت کارگران کارگران آگاه - میانی و فشاری از کارگران نیمه آگاه به جراتها می‌گفته نجوی به انجمن های اسلامی و ایستکی دارند - اعدام انقلابیون را محکوم می‌کنند چرا عدا م رفیق سلطانیور همه جا هم بیچند و سابقه می‌رزان او این که سالها در رژیم شاه در زندان بوده است ۱۴ سال بدهان می‌کردند. عدا مدختران ۱۳ - ۱۴ ساله او قرا رو قیانه آیت الله کیلانی و لاجوردی به این امر فرست کارگران را برمی انگیزد. روزیکشبه بعد از - اینکه اسامی اولین سری اعدام شده‌ها مشخص میشود، کارخانه‌ها فضای دیگری دارد.

در کارخانه دن با کنتر صبح‌کشنیه در سبمی از قسمتها عملاً کارخوا سیده - است. کارگران شدیداً "ناراحت هستند شعادی کره می‌کنند. عدا مرفیق سلطانیور را اندیدند "عکوم کرده و سابقه مسا رأی او را از رژیم شاه برای هم با زکومی کنند.

در صایع هوا بیانی صبح‌کشنیه عملاً کارگران سیکار رودند. بعضی کره می‌کردند. روزهای بعد کتایهای سعید سلطانیور دست بدست می‌کند.

در کلسان کارگران از عدا سعید سلطانیور صحبت می‌کردند و از این سب "عباس آقا کارگران ایران با سوال" می شایعند.

کارگری میگفت: "من بعد از انفجار رخلی نا راحت شدم" می‌رسند چرا، جواب می دهد "چون این چهار رو پنچ نفر دیگر آنجا نبودند و شمرند اگر اینها هم می‌مردند نور علی نور میشد."

"اینها خون جوانان ما را ریختند این خونها با لایحه ما حاد را دیدید که سه انتقام گرفت."

د - اخراج و دستگیری: از هفته اول تپو موج اخراج در کارخانه‌ها شروع میشود. - انجمنهای اسلامی فرصت پیدا می‌کنند با استفاده از جوی که حزب بوجود آورده - کارگران را که از مدتها قبل شنا سانی کرده اند برای دستگیری به سبها ساداران بدهند. در ایستمد تعداد زیادی از کارگران اخراج و دستگیر میشوند. در بعضی موارد - در یک روز حدود ۱۵۰ - ۲۰۰ نفر را پاسد - از آن دستگیری می‌کنند. افراد انجمن اسلامی به قسمتها آمده و هر کس را که چشمان را بگیرد یا خود می‌بندد و سبها تحویل میدهند.

نحت تا شیرو عمومی و ترس از سیکاری - اعتراضات بیکبار چه و مقابل به با این اقدامات رژیم بندرت صورت می‌گیرد. ۲ نمونه از اعتراض کارگران به اخراج و دستگیری:

۱- در کارخانه پارس الکتریک در هفته اول تیرا افراد انجمن اسلامی در کارخانه تهران متحصن شده و خواستار اخراج و دستگیری کارگران پیرو می‌شوند. بعد از ۳ ساعت تحصن آنها حکم اخراج ۱۵ نفر از کارگران زده میشود. بعد از پنج خبر، کارگران به حمایت از اخراجیها دست از کار کشیده و برای اعتراض به دفتر شور - میروند. نمایندگان کارگران را - تهدید می‌کنند. کارگران آن روز از گسار کردن خودداری می‌کنند و در نتیجه ۵۰ نفر از طرف سپاه برای با زبیری به دادستانی برده میشوند. همچنین ۴/۱۴ در - کارخانه کرج چه شیوه‌ای که در تهران عمل شده بود حدود ۱۵۰ نفر از کارگران و - کارمندان دستگیر میشوند. کارگران با امضای طومانی خواستار آزادی همکاران خود و با زکشتن آنها سرکار میشوند.

۲ - در سبزا و رکا کارگران به دستگیری نماینده شور و تعدادی از همکاران خود شدیداً "اعتراض کرده و خواستار آزادی آنها میشوند. آنها ضمن تهیه طوماری برای آزادی همکاران خود، تهدید می‌کنند که در صورت آزادی شدن آنها، اعتصاب خواهد کرد.

ه - انتخابات ریاست جمهوری و مجلس در ۳ - هفته اخیر حاکمیت که از بی اعتباریش در بین توده‌ها با خیراست برای تحمیل یکی از افراد مکتبی ای به عنوان رئیس جمهوری به مردم تبلیغات کر کننده‌ای را در رادیو، تلویزیون و روزنامه‌های وابسته شروع کرده است. حمنی هم با "واجب شرعی" مردن انتخابات سعی در تضعیف دبیشتری راه برای دادن وادارد. با توجه به تبلیغات و فتاوی طوبت الله‌ها کارگران اکثراً "معتقدند که چه آنها را بدهند و چه ندهند کار سنی رئیس جمهور میشود. حمنی‌ها ی کارگران نشان میدهند که اگر چه نحت تا شیر خفان و ارعاب و درتها به برای مهر خوردن - سنا سنا ممان عده‌ای از آنها در اسخا با ت شرکت خواهند کرد اما مولانا اعتقادی به حاکمیت و این انتخابات نمایی ندارند.

نخبه در صفحه ۴

در تولید و کارگران "داروشی ۲" خرسیر خوردن یک کارگر هوادار سازمان سیکار ضمن فروش ستره برای هم نقل کرده و او را به تنهایی می‌کردند.

نقل قول از کارگران: اینها روی شاه را هم سفید کرده اند. سعید سلطانیور سالها در زندان رژیم شاه بود. شاه حرارت بگردا و را بخندد اما اینها با بسی سنی او را کشتند.

یک کارگر در روپن: "کجای دنیا دیده‌اید دختر ۱۳ ساله را اعدام کنند. شاه هم جوانان مردم را اعدام می‌کرد این رژیم هم جوانان را اعدام میکند چه فرقی بین این دو هست. چون این اسم خودش را "جمهوری اسلامی" گذاشته با بد قبولش کنیم؟ اگر اسلام می‌گوید که عدا مدختر ۱۳ ساله و شکنجه دختران و پسران درست است، من میخواهم مسیحی یا کمونیست بشوم. بعداً قسم ما کارگران هنوز قدرت خودمان را نمیدانیم. ما نمی‌دانیم اگر با هم با شیم چه کارهایی میتوانیم بکنیم."

یک کارگری فارابی: حمنی روزی که به ایران آمد گفت شاه برای ما فقط قمرستان درست کرده حالا خود... هر روز - می‌گوید اعدام کنید اگر اسلام این است من کار هستم.

کارگری ضمن اشاره به نطق حمنی که میگفت انقلابیون را بکشید: "حمنی میخواهد مردم را بجان هم بیندازد. به دستور است که هر روز خواهان و پسران دران ما را اعدام میکنند.

ج - انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی: صبح روز بعد از انفجار کارگران بسیار - خوشحال هستند بهم تبریک می‌گویند، در یکی دو مورد نقل پخش می‌کنند با هم شوخی می‌کنند و در موردی به ریختند افراد انجمن اسلامی می‌پروند. اما با شدید جواب درجا همه در سکوت فرورفته و از اظهار نظر صریح و مشخص خودداری می‌کنند. اما این سکوت نیز تا شیدا میراست. در مورد علت انفجار نظرات گوناگونی دارند. تعدادی می‌گویند "کار خودشان است، این چند نفر - منظور فسنجانی - رجائی - آیت و ... که قبل از انفجار از سائلن بیرون آمده اند، در سبب گذاری دست داشته اند، خودشان با هم اختلاف داشته اند. مواردی سبزه نیروهای انقلابی نسبت داده و تفاس خون جوانانی میداند که جمهوری اسلامی اعدام کرده است."

در سری تهران عده‌ای از کارگران بهم تبریک می‌گویند یکی از کارگران ضمن نا شدا این عمل و نسبت دادن آن به نیروهای انقلابی میگفت "اگر ایسنا سازمانها با هم یکی نبودند جلوی ایسنا رژیم ایسنا دکی نگذاشتند رژیم همه ما را می‌کشد."

یکی دیگر از کارگران با خنده میگفت: "با من شوخی نکنید چون به ما از سبب عموها بیم مرده اند. سببی، سوری و محمد رسکو."

رهبری طبقه کارگران من پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

کارگران چه می گویند؟

بقیه از صفحه ۳

یک کارگر را آهن "چه ما در انتخابات شرکت کنیم و چه نکنیم آنها صندوقها را پر می کنند.

یک کارمند که اعتقادات شدید مذهبی دارد به هیچکس رأی نخواهد داد چگونه اگر کسی رئیس جمهور شود بخصوص مثل رجا شی وجنگ و خونریزی راه بیفتند مسئولش من خواهم بود.

کارگری که قبلاً "زینبی صدر حجابیت می کرد و حالا بیطرف است" رجا شی رئیس جمهور می شود ما نه برای مردم بلکه برای آنها تیکه از طرف خودشان برای او در صندوق ریخته میشود. ما با زده میلیون رأی دادیم خمینی در عرض یک ساعت برپاد داد. حالاهی زور میزند که رأی دادن - شرعی است.

معلوم است که رجا شی انتخاب میشود. اما با بد در انتخابات شرکت کرد و رأی سفید داد تا شناخته به مهر پیخورد چون ممکن است که بعداً "ادیت کنند".

"اگر انتخابات مثل انتخابات حزب - رستا خیزا جباری باشد من به کسی رأی میدهم که ملا" احتمالاً انتخاب شدنش وجود نداشته باشد.

یک کارگر کارخانه بایر: "من در انتخابات شرکت نمیکنم زیرا زودیا ره بیایسیم انتخاب کنیم دور و دور بعد بگویند خائن است، جانی است، نموفعده خودشان برای بنی صدر تبلیغ کردند دور و دور بعد گفتند: شما اشتباه کرده اید و در خط امام نیست".

با بالا گرفتن اختلافات حزب جمهوری و بنی صدر، کارگران در پیرویه بعد از قیام به ما هیئت حزب جمهوری اسلامی پی برده - آمد. ضمن "باز آشنه و از جناح حزب و عملکردهای ارتجاعی، بخاطر مخالفت و استنادگی بنی صدر در مقابل حزب، از او پشتیبانی می کنند. در یک دوره کوتاه بنی صدر سمبل مبارزه با حزب میشود. اما با عدم مفاومت و مفاصله و بعد از برکنارش از فرماندهی کل قوا و ریاست جمهوری این ذهنیت بزودی درهم شکسته میشود. کارگران بنی صدر را ترسو و بزدل میخواهند و در موارد زیادی پی میبرند که اختلاف او با حزب بر سر کسب قدرت بیشتر بوده نه بخاطر مردم.

کارگران بفرات خود را از حزب جمهوری اسلامی بصورت گوناگون نشان - میدهند. مذاکرات مجلس را مسخره میکنند. به اخباری که توسط حاکمیت داده میشود، اطمینان ندارند اکثریت کارگران به اخبار رادیوهای ضد انقلابی و خارجی گوش میدهند. در چند مورد کارگران حاضر نمیشوند کمپهای نقدی و جنسی خود را - توسط ارکانهای دولتی برای جنگزدگان و زلزله زدگان بفرستند و تمهید نمیگیرند (رأی برای ارسال آنها قائل می کنند).

بفرات از انجمن اسلامیها اوج میگیرد. کارگری میگوید: "ما با اید اول تکلیفمان را با انجمن اسلامی روشن کنیم چون شما انجمن اسلامی در کارخانه هست ما هیچ کاری نمیتوانیم بکنیم". برکناری بنی صدر و تاخت و تاز حزب در دستگیری، اعدام و سرکوب، کلیه مسائل منفی ارتح - استماع قرار میدهند همه حاکمیت از مسائل روز است. کارگران دائماً "خبری از رفسا روحشانه با ساران با کسانیکه

در نظرها ت شرکت کرده یا اعلامیه بخش میکرده اند را برای هم نقل می کنند. آنها تشنه اخبار جدید هستند. سران حزب مورد نفرت شدید کارگران هستند. در این میان خمینی نیز که تا بحال میخواست با صحبت های دوپهلوانین بجزا بگیرد که گویا ما و راه دو جناح حاکمیت و اختلافات مسائل آنها قرار داده با پشتیبانی مشخص از - حزب جمهوری اسلامی، ما هیئت خود را کاملاً نشان میدهد. سخنرانی خمینی در مورد - عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوا و - تا شیدرای مجلس مبنی بر عدم صلاحیت رئیس جمهور نقش زیادی در ریختن توهم کارگران نسبت به او دارد. کارگران او را همدست حزب و شریک جنابسات آن میدانند. در کنار رفسا راهی که در مسورد سران حزب نوشته میشود، نام خمینی نیز اضافه میشود. موارد زیادی کارگران - عکس او را پاره می کنند.

با کسستن توهم کارگران نسبت به بنی صدر کارگران تا امید ارتقا ساز با "لا" به نیروهای انقلابی روی می آورند کارگران اکثر "صحبت از سرنگونی حزب می کنند در موارد زیادی جنگ داخلی را پیش بینی می کنند. این در گذشته با شان شنیده میشود که: "ایران مثل لبنان می شود. این حکومت تا ۳۲ ماه دیگر کارش تمام است. اگر این سازمانها با هم اتحاد داشته باشند میتوانند حکومت را چپ کرده و خود قدرت را در دست بگیرند. کارگران که خود هنوز آماده حرکت نیستند، چشم به حرکات نیروهای انقلابی دوخته اند. اکثراً در مقابل سرنگونی حزب حاکمیت نیروهای انقلابی را مطرح می کنند. ضرورت وحدت نیروهای انقلابی به عینت برای - کارگران مشخص میشود. یکی از کارگران میگوید: "این کمونیستها با اید اختلافات را کتا ریگذا رند، با هم متحد شوند و حزب، را سرنگون کنند.

در این میان حزب جمهوری که به ورشکستگی سیاسی خود پی اعتراف رندش در بین توده ها و در مقابل گرایش توده ها به نیروهای انقلابی برده، به سرکوب و حبس نه ای دست میزند. با انفجار دفتر حزب جمهوری و کشته شدن برخی از - سران آن، سرکوب شدیدتر میشود. کارگران در مقابل حرکات جنون آمیز حزب بهت زده میشوند. اعدا میهای بی باقی انقلابیون کشتن بدون حاکم جواناتان ۱۳۴-۱۳۴ ساله دستگیری، اخراج و... در کارگران اشتر میکند. دیگر برای مدتی زحمتهای دسته جمعی خیزی نیست کارگران احتیاط می کنند و جز با کسانی که مورد اعتماد - شان هستند، در مورد مسائل روز صحبت نمی کنند. تعدادی از کارگران تا آگاه

تحت تا شیر جو موجود به انجمن اسلامی گرایش پیدا می کنند. ترس از اخراج و دستگیری خود با عت میشود که در مقابل آنها جمده انقلاب به همکاران مترقی خود عکس العمل فاطمی نشان ندهند. پس از دو سه روز در مورد آنها رفتار حزب - سکوت می کنند. اما این سکوت تا شیداپر است از کشته شدن برخی سران حزب بخصوص بهشتی بسیار ضعیف هستند.

تحلیل اوضاع کنونی نشان میدهد که تشدید بحران اقتصادی و عدم توانایی حزب در پیاسه سگویی به آن ویاحتی ایجاد رفرم، عدم دستیابی کارگران و زمینکنان به خواسته های خوش شیدیدتها ده ای طبقاتی را بدنبال خواهد داشت. بررسی ذهنیت کارگران نسبت به مسائل جاری کشور به عنوان یک فاکتور مهم نشان میدهد که علیرغم اقت موفقی در مبارزات کارگران و عدم مفاصله متحد و قاطع آنها با اقدامات ضد خلقی حاکمیت، جنبش کارگری خیزشی نوین را در پیش خواهد داشت.

رژیم جمهوری اسلامی: دیکتاتوری ارتجاعی

بقیه از صفحه ۶

برای بزی خرده بورژوازی را از سویایسیم "تاسبت کند". وجهه مترقی و انقلابی خرده بورژوازی در راه برابری با زینقبه نظراً انقلاب بورژوا - دموکراتیک را - مسکوت میگذارد" (لنین انقلاب پرولتری و کاتوتسکی مرتد - تا کیدا زما ست)

در جوامع تحت سلطه امپریالیسم، دموکراتهای انقلابی که موانع دموکراسی انقلابی (غیر پرولتری) می باشند متحدین پرولتاریا در انقلاب دموکراتیک و مبارزه برای رهاشی از قید سلطه امپریالیسم محسوب می شوند. ضرورت آنها در پرولتاریا با نیروهای مدافع دموکراسی انقلابی از دیکتاتور رده طبقاتی و فطسب بندی نیروها بر اساس منافع طبقاتی ناشی میگردد. ضرورت این اتحادنازوری خواست و اراده رهبران، بلکه بنا بر ضرورتیهای مادی و عینی رشد مبارزه وصف آراشی - نیروهای طبقاتی است که بطور جمعی بر اساس منافع طبقاتی صورت میگیرد، و همین جهت گیری طبقاتی است که دموکراتهای انقلابی را در مبارزه ضد امپریالیستی - دموکراتیک بسوی اتحاد با پرولتاریا و طرفداران سویالیسم علمی می کشاند.

دموکراتهای انقلابی بنا به ماهیت و خلقت طبقاتی شان، هم طرفدار آزادی و دموکراسی هستند و هم خواهان رهاشی از سلطه امپریالیسم. تحول انقلابی - دموکراتیک در جامعه و حاکمیت دموکراسی، اقتصاد و اجتماعی با منافع طبقاتی آنان سازگار است و به همین دلیل طلب تحولاتی می باشد. هرگاه نیروهای فاقدا بن خصوصیات باشد، دموکرات انقلابی نیست و از دموکراسی انقلابی دفاع نمیکند، هر چند شفا دهائی با امپریالیسم نیز داشته باشد. این چنین نیروی نسبی تواناندا رجا تب کمونیستها مورد پشتیبانی قرار بگیرد. لنین برای آنکه چنین مرز بندی را روشن نماید در باره روش کمونیست ها و انترواسونال سوم نسبت به جنبش های رهاشی بخش می نویسد:

"برخورد درست آنستکه این اختلاف را در نظریه کمونیسم تقریباً "در همه موارد، اصطلاح "انقلابی" ملی را بجای اصطلاح بورژوا - دموکراتیک بنشانیم. اهمیت این تغییر در اینست که ما کمونیستها فقط از من نسبی با اید ز جنبش های بورژوا - آزادبخش در مستعمرات پشتیبانی کنیم و پشتیبانی خواهیم کرد که این جنبش ها حقیقتاً انقلابی باشند و ما سندگانه آنها جلوی ما را در آموزش و سازماندهی انقلابی دهقانان و توده های استعمار شونده نگیند. اگر این شرایط وجود نداشته باشد، کمونیستها با این کشورها با ایدسه بورژوازی رفرمیست، که رهبران انترناسیونال دوم نیز از آن جمله اند مبارزه کنند".

لنین برخلاف اپورتونیست ها - چونکی موجود در کمونیستها را یکی از ملاکهای مهم تمیز دموکراتهای انقلابی از رفرمیست ها میداند. و اینکه نماینده کان فضا غیر پرولتری جلوی فعالیت کمونیستها را در آموزش انقلابی توده های استعمار شونده بگیرند یا نه محکی برای تشخیص ماهیت انقلابی این نیروها و چونکی برخوردار آنها می شمارد.



قزوین

"دزدان درروز، هیئت مدیره مروین"
 عنوان اعلامیه ای است که کارگران پیشرو نیتینگ منتشر نموده اند، در قسمتی از این اعلامیه نوشته اند: "بدنسال مبارزات - کسرتده برای سودبزه، طبقه بندی مشاغل و حق شیفت و... که باعث وحشت دولت سرما به داری گردید، رژیم تصمیم گرفت که هیئت مدیره لیبرال (هیئت - مدیره قبلی) را با کمک پاسداران و شورای ضدکارگری زکا سرکنارویجای آن - هیات مدیره جدیدی با عنوان اسلامی سرکار آورد تا با کمک انجمن اسلامی بطور آشکار و در صحنه نوری به سرکوب ما بر داخته و در سایه جواختن و زور و شهیدیت ما را بهتراستحما رکنند و ما مع حرکات اعتراضی ما شود، سپس از افشای غشای هیئت مدیره جدید و ذکر سابق هر یک از آنان مینویسد: "با بد هشیاربا شیم امروز این هیات مدیره - مکتبی با همدستی شورای سازشکاروانجمن اسلامی با هدایت هیات سرکوب مسایجا دکرده اند، تنها راه مقابله با سیاستهای فدا سازی رژیم جمهوری - اسلامی و دست نشان دادن آن از جمله هیئت مدیره مکتبی و مفتخور کارخانه ما، اتحاد همگنی است. با بدبایانکه به اتحادمان اعضای سازشکارشورا را طرد کرده و شورایی انقلابی بسازیم و از این طریق توطئه های حزب جمهوری اسلامی سرما به داران را خنثی کنیم."



کارگران پیشرو

اراک

کارگران هوادار زمان اعلامیه ای تحت عنوان "کارگران پیشرو، بیندیش، بیای خیزا" منتشر نموده اند. در این بیانیه پس از شرح تالیات رژیم در هفته های اخیر می نویسد: "اکنون رژیم کسه سیاست حزب منصور جمهوری اسلامی بران حاکم گشته است تا منته سرکوب خود را به کارخانه ها این سنگر همیشه بیدار مبارزه علیه امپریالیسم سرما به داری کشا نده - است... دستگیری کارگران و کارکنان مبارزان لومینوسمازی، ایران چاندیو ما شین سازی، هجوم به خانه و گاشا نسه کارگران آگاه در شهر صنعتی، ایجاد مزاحمت برای خانواده کارگران شرافتمند همه و همه خیرا ز جمله سرما به داران و مزدوران نشان به جنش کارگری و سرکوب کارگران میدهد. کارگران انقلابی اینست که هجوم سرما به داران و مزدوران جمهوری اسلامی به کارخانه تشدید شده - است: - در مقابل سیاست سرکوب، - دستگیری و اخراج کارگران مبارزان و همکاران انقلابی خود متحد شده و بسمه مقابل به بر خیزید - با افشای سیاست های پنهان و آشکار انجمن اسلامی، باند های سیاه کارخانه سرما به داران و دشمنان کارگران مبارزه کنید! - اخبار مربوط به اخراج و دستگیری و ضرب و شتم کارگران انقلابی را به دیگر کارخانه ها و سایر محکمات خارج از کارخانه برسانید و آنها را نسبت به یورش رژیم به کارخانه ات آگاه کنید! - با ایجاد دشواری های انقلابی صفوف خود را در مقابل سرما به داران - و مزدوران وابسته به آنها و ضد انقلاب - حاکم یکپارچه و متشکل نما شید!"

شهد

کارگران پیشرو شهید اعلامیه ای در رابطه با مبارزات صفی کارکنان شرکت برق منطقه ای منتشر نموده اند. در این اعلامیه پس از شرح درگیریهای کارگران با هیات مدیره شرکت شعاعی مسکن می نویسد: "دوستان کارگروکارمندان - مبارزان اکنون رژیم جمهوری اسلامی دست به گسترش هر چه وسیعتر سرکوب و ایجاد جو خفقان در سرتا سر ایران زده که جمله گسترده و مدبوحانه به آزادیهای سیاسی و انحلال شوراهای انقلابی کارگران و... از آن جمله اند. بدیهی است با واگسری مبارزات طبقه کارگر علیه سرما به داری و رژیم حامی آن، نوک تیز حمله دولت متوجه کارگران و همساران آن می باشد. پس در مبارزه جهت کسب منافع برحقمان قاطعانه و مصمم و متحد و یکپارچه تمام می دسیسه هسا را در اشکال مختلف، سرکوب و توطئه رژیم سرما به داری و عواملش را خنثی نما شیم."

کارگران پیشرو نیز اعلامیه ای در رابطه با دستگیری و اخراج همکارانشان - منتشر نموده اند. در قسمتی از این اعلامیه چنین آمده است: "مدتی از دستگیری تعدادی از همکارانمان توسط انجمن اسلامی، شورای دست نشانده سرما به داران و پاسداران حزب جما قدا ر جمهوری اسلامی میگردد، در این مدت چندتن نیز اخراج و تعدادی تهدید به اخراج و دستگیری شده اند... امروز ما در مقابل آزادی - همکارانمان و وضعیت خانواده های آنها مسئولیم چه بسا فردا خود جزو آخراجیها و دستگیرشدگان با شیم. با بدبایان اتحاد همگنی خود و ایجاد دشواری واقعی، شورایی که پشتیبان ما کارگران باشد از اخراج و دستگیری همکارانمان جلوگیری نمائیم."

شیواز

کارگران صنایع الکترونیک نیز از موج سرکوب و دستگیری درآمان ننوده اند کارگران پیشرو این کارخانه اعلامیه ای در این رابطه منتشر نموده اند که در قسمت هایی از آن آمده است: "در شرایطی که عنا سر رژیم قبیل در کارخانه خود را برد، چندتن از همکاران مبارزان را به جرم دفاع از منافع کارگران به دادگاه حاضر

کارگران پیشرو و کنسورسای شیمز در رابطه با اخراج و دستگیری همکارانشان اعلامیه ای منتشر نموده اند. در قسمتی از این اعلامیه نوشته اند: "مدتی از دستگیری تعدادی از کارگران همکارانمان توسط پاسداران حزب جمهوری اسلامی میگردد و ما هنوز کوچکترین خبری روضعت آنها نداریم" و پس از شرح فریبکاری مدیریت و نظارتها و به حمایت از کارگران در خانه می نویسد: "مرو و طبقه تک تک ما مبارزه با سرکوب و حشیا نه، خفقان و دیکتاتور حزب جما قدا ر جمهوری اسلامی، فریبکاری مدیریت کارخانه و سازشکاری ما با بدبایان اتحاد خود و ایجاد دشواری واقعی، شورایی که پشتیبان ما کارگران باشد، از اخراج و دستگیری و زندانی شدن همکارانمان جلوگیری نما شیم و توطئه های مفتخوران کارخانه و دولت حامی آنها را خنثی کنیم."

یادرفیق فدائی...

نخبه از صفحه ۴

اسلامی تقسیم کرد رفیق همین به این عمل فدا انقلابی رژیم اعتراض کرد و بازم ما نند رژیم شاه پاسداران سرما به و چما قداران او را تهدید به کشتن کردند. شجاعت و شهنش اولسره براندام مزدوران می انداخت. بعد از انتصاب درون سازمان وی با طرد و یزیدونیستهای اکثریت در زیر پرچم خوین سازمان به مبارزه خویش ادامه داد. او بعنوان یک صا فدائی بسیار کوشید تا از سازمان ساد هتسبش مشرانقلابی سازمان را در پس صا دان

می کنند و زمانی که با مقاومت تمام مسی کارگران روبرو میشوند وقت را بجای میبرند که برای دستگیری و بازداشت آنها دژیان گسیل میدارند. کارگران مبارزان اگر از هم اکنون جلوی قدامت سرکوبگران و ضد خلقی رژیم را که هر روز گوشه و کنار کشور نمونه مشخص آن در کارخانه توسط ارگانهای ضد کارگری (انجمن اسلامی، دایره سیاسی اینتلوزیک، مدیریت، وادگاه ویزه ارتش) را با مبارزه خود تکسیریم، فرادست که با طر کوچکترین اعتراض حق طلبانه ای، فرد فرما را - دستگیر، زندانی و اخراج می کنند."

و دیگر زحمتکشان اشاعه دهنوی همیشه شجاعانه در عرصه مبارزه طبقاتی علیه سرما به داری حضور داشت. در روز را هیما شای پاسداران با شناسائی قبلی دو گلوله به او شلیک می نمایند اما با وجود این بطرف پاسداری که به او تیراندازی کرد یورش برده و اسلحه کندی او را مصادره می کنند که پاسدار دیگری از پشت به طرف او شلیک می کند. بیگرحمی و نیمه جان صا دقهرمان را به داخل ماشین برده و در راه ضربات کاردار او را به شهادت میرسانند.

درد بر صا فدائی رفیق همین راست خدیو همه شهدای خلق - سنگ و نوسرت برآدمکنان رژیم جمهوری اسلامی

باید با استخدام کارگران بیگار بساط "اضافه کار اجباری" در کارخانه ها بر چیده شود



روئیم جمهوری اسلامی

توضیح ندها، نده که چرا و بجه دلائلی حاکمیت کنونی را دموکراسی انقلابی می دانند و چنین تحلیلی برگردا مفاکتهای عینی استوار برمی آید؟ بر او ضاحت که از آن استندادن چنین تحلیلی از جانب آنان امری اتفاقی و تصادفی نیست. آنها بخوبی میدانند در باره مسئله بدین مهمی که در صفت بندی نیروهای اجتماعی تاثیر قاطعی دارد، نمیتوان بدون تحلیل سخن گفت و بهمین دلیل نیز کوشش های فراوانی در این زمینه بکار بسته اند، ولی به نتیجه موفقیت آمیزی نرسیده اند چرا که نه آنها و نه هیچ شخص دیگری نمیشودند بر اساس دلائل و فاکتهای عینی، اثبات کنند، که حاکمیت کنونی دموکراسی انقلابی است. لذا آنها مجبورند تحلیل های تاریخی را که شده و به گوشه کنار رفته قضا یا بچسبند، دلیل تراشی کنند، مهم سخن بگویند تا بدست آورند چنین نظریه ای را "اثبات" کرده و به هواداران نشان بقیولانند. ما به این شیوه تحلیل در سیرد خلق شماره ۱ (دوره جدید) برخورد کردیم و نوشتیم:

"شیوه بورژوازی تحلیل معمولاً در بررسی ها و تحلیلهای عملکردهای مختلف راننده در ارتباط با یکدیگر، بلکه جدا از هم بطوریکه تکیه کناره هم ردیف می کنند و به عملکردهای مختلف بها یوا حد میدهد. اساسی را از فرعی تمیز نمی دهد و قاطعاً نیست از بررسی مجموعه عملکردها بیجا نموده با ما هیت پدیده پی برد"

متدا رکستی تحلیل بر خلاف شیوه فوق الا عملکردها را در ارتباط با دلائل لکتیکی یا یکدیگر بررسی میکنند. اساسی را از فرعی تمیز می دهد و تلاش می کند با نفوذ از سطح عمق، ما هیت پدیده و سیرتکالی آنرا مشخص کند و موضوع مشخص نسبت به آن اتخاذ کند. در متدا ما رکستی معیار روملاک حقیقت، برانیک است. (تیرد خلق شماره ۱ صفحه ۶۹)

اما گذشته از متدا غیر علمی و غیر ما رکستی تحلیل، آنها معمولاً دو دلیل عمده برای اثبات ما هیت انقلابی و دموکراسی حاکمیت حزب جمهوری اسلامی ذکر می کنند. ۱- تضادهای سیاسی حزب جمهوری اسلام با میریالیسم آمریکا ۲- تضادهای حزب با نمایندگان بورژوازی بزرگ و لیبرالها، اما در خصوص اینکه ما هیت و مضمون این تضادها چیست و چرا و بجه دلائلی حزب جمهوری اسلامی در موضع دموکراسی انقلابی قرار دارد و این تضادها، تضاد بین دموکراسی انقلابی و میریالیسم بورژوازی و بسته می باشد، کمتر استدلالی می نویسیم. گوشه صرف داشتن تضاد فیسیت تا حزب را در موضع انقلاب و دموکراسی انقلابی قرار دهد. این تضادها عینی هستند و همه نیروها سیاسی به آن معترفند. اشکال و اختلاف بر سر قبول یا رد این تضادها نیست، بلکه محور اختلافات حول چگونگی تحلیل و بررسی این تضادها، ما هیت و مضمون آنهاست. مسئله بر سر آنست که باید در جهت سرنوشت رژیم جمهوری اسلامی حرکت کرد یا به حمایت از آن برخاست و آنرا ناید و پشتیبانی نمود؟ این تضادها از جانب نیروهای مختلف سیاسی مورد ارزیابی قرار گرفته و تئوریهایی مختلف هم ارائه شده است. سازمان، موضع حزب - جمهوری اسلامی را بورژوازی تجاری - متوسط ارزیابی نمود و تضادها را بر این

اساس تبیین نموده است. نیروهای سیاسی دیگر نیز هر یک به نحوی این تضادها را تبیین کرده اند. مثلاً "راه کارگر این تضادها را تا جایی که از تضاد دکانست حکومتی میدانند، حتی چپ اکثریت، حزب جمهوری اسلامی را نماینده خرده بورژوازی سنتی مرفه میدانند که در موضع تضاد انقلاب قرار گرفته و تضادها را برای این به بررسی می کند و غیره . . . اما نکته مهم آن است که تضادها را این تحلیل ها غیرمخاطب اختلافات نشان این تضادها را به تضاد جبهه انقلاب و تضاد انقلاب، بلکه تضادهای درون جبهه ضد انقلاب می شناسند. چرا که این نیروها بدرستی این مسئله را - تشخیص میدهند که حزب جمهوری اسلامی بهما به حزب حاکم، راه پیشرفت انقلاب و تکامل مبارزه طبقاتی را ندانند و نیروی ارتجاعی و ضد انقلابی است و از منافع طبقاتی ارتجاعی یا سادری می کند و در رژیم سیاسی - اقتصادی - اجتماعی حاکم مهر و نشانی از خصمت دموکراسی و انقلابی بافت نمی شود. اما حزب توده و اکثریتی های راست با دستاویز قرار دادن این تضادها برای رژیم جمهوری اسلامی ما هیت و خصمت انقلابی دموکراسی تراشیده و به حمایت از تضاد انقلاب حاکم برمی خیزند و رژیم کنونی را دموکراسی انقلابی معرفی می کنند. در این نوشته بویژه ما بحث خود را حول این مسئله اساسی انقلاب ایران متمرکز می کنیم تا روشن تر شود که دموکراسی انقلابی چیست؟ دموکراسی انقلابی چیست؟ و آیا رژیم جمهوری اسلامی دموکراسی انقلابی است یا دیکتاتوری ارتجاعی؟

میدانیم که کمونیستها، یعنی کسانی که در راه های پرولتاریا و پیروزی - سوسیالیسم می رزمند بیکترین مدافعین دموکراسی و رها نشی خلقها از قید ستم هستند. دموکراسی پرولتاریا را - پیگیرترین دموکراسی است. لنین در این باره می نویسد: "فقط در طبقه کارگر است که دموکراسی میتواند در طرفدارسی قید و شرط و بدون ترلز، طرفداریکه هیچگاه عقب نمی تگردیدند. در هیچ یک از طبقات، دستجات و قشرهای دیگر خصوصت نسبت به حکومت مطلقه بلا شرط نیست، دموکراسی تمام آنها همواره به عقب می تگردد. . . . فقط پرولتاریاست که میتواند تا آخرین لحظه دموکراسی پیگیر و دشمن قطعی حکومت مطلقه باشد. و بنا بر موقعیت طبقاتی خود نمی تواند هم باشد. و قاطعاً در هیچگونه گذشت طح و موا لحه نیست، فقط پرولتاریاست که میتواند در راه آزادی سیاسی و تا سیمات دموکراسی تک مبارز پیش قدم باشد زیرا اولاً ستمگری سیاسی تاثیرش در پرولتاریا شدیدتر از همه است و نمی گذارد که در حقیقت این طبقه که نه دسترس به مقامات عالیه و نه حتی به اعمال دولتی و نه نفوذی در افکار اجتماعی دارد، کوچکترین تبدیلی حاصل کرده. ثانیاً فقط پرولتاریاست که قاطعاً در است دموکراسی کردن رژیم سیاسی و اجتماعی را با خسر برساند. زیرا یک چنین دموکراسی کردن این رژیم را بدست کارگران خواهد داد. (لنین) وظایف سوسیال دموکراتهای روس - تا کیدازماست اما پرولتاریا تنها نیروی نیست که در راه دموکراسی و رها نشی مبارزه می کند، در کنار روی سایر فراد طبقات - انقلابی وجود دارند که برای دموکراسی و رها نشی مبارزه می کنند، بخصوص در جوامع تحت سلطه میریالیسم طیف گسترده -

خشم و کینه اهالی لنگرود از اعدام سه انقلابی

سه نفر از هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران، در سحرگاه روز بیست و دوم تیر ما در لنگرود اعدام شدند. اعدام این سه انقلابی توسط رژیم - جمهوری اسلامی موجی از تاروا اندوه توام با خشم و کینه را در مردم برانگیخت. ساعت هشت صبح جمعیت انبوهی همراه خانواده این شهدا جلومحل سپاه پاسداران لنگرود جمع می شود. پاسداران که همواره از حرکات اعتراضی مردم و گسترش دامنه مبارزات آنها وحشت دارند اینها را هم سعی کردند با زور و با کتک زدن همسریکی از شهدا جمعیت را متفرق کنند. اما مدام بر تعداد جمعیت افزوده می شد همراه جدیدترین از شهدا که - قبرستان شهر حمل می شد - یک جسد به روستای محل تولد ما هدشده برده شد - مردم روستا ضمن شرکت در مراسم تدفین شعارهای از جمله مرگ برپاسداران، "مرگ بر ارتجاع، ما این ستمدانیات ارتجاع است" و "پارسان ما زندانند یا کشته در میدانند"، میدادند. این شعارها در درشتا مطول گفن و دفن شهدا ادامه داشت و مرتب جمعیت افزوده می شد و همه با خشم و کینه بر می دادند. پاسداران و خرب - الهی های زن و مرد نیز سعی در برهم زدن مراسم را داشتند اما موفق نشدند.

دهقا تا روخرده بورژوازی شهری (کسه کمیت چشمگیری را تشکیل می دهند) تحت ستم میریالیسم و ستم حاکم بوده و در راه دموکراسی و رها نشی از قید سلطه امپریا - لیسیم مبارزه می کنند. این اقشار وسیع هر چند تا در نیستند و بنا به موقعیت طبقاتی خود نمی توانند بخاطر سوسیالیسم مبارزه کنند (بجز دهقان فقیر و نیمه پرولتاریای شوروی و روستا که میتوانند تحت رهبری پرولتاریا برای سوسیالیسم مبارزه کنند) ولی با این وجود در مبارزه برای رها نشی و دموکراسی و در انقلاب دموکراسی حاکم کرده و نیروی انقلابی بشمار می آیند و متحد پرولتاریا در مبارزه برای دموکراسی و رها نشی می باشند. دموکراسی انقلابی خرده بورژوازی (کسه) بیانگر منافع وسیع ترین اقشار خرده - بورژوازی است هر چند در مقابل سه ستم دموکراسی پرولتاریا دارای محدودیت و نا پیگیری است اما در مرحله ای تکامل جامعه و در تحولات دموکراسی تیک دارای نقش متفرقی و انقلابی است لنین در باره نقش متفرقی این دموکراسی می نویسد: "کاتوستیکی هرگز نمی تواند این موضوع را در نما بدکده در انقلاب بورژوازی دموکراسی تیک اندیشه برابری دارای اهمیت انقلابی است. انقلاب مزبور فراتر از آن نمی تواند برود و هنگامیکه به بیان خود میرسد با وضوح بیشتر، سرعت بیشتر و سهولت بیشتری در مقابلت تصمیمات بورژوازی - دموکراسی تیک و لزوم فرارفتن در چهار - چوب آن و انتقال به سوسیالیسم را در - برای بر توده ها آشکار می سازد. از سوی دیگر کاتوستیکی گفته های ردیفانه لیبرال - مآبانه ما سلف متروک را نقل قول می نما بدکده مکتودتخیلی و ارتجاعی بودن -

بقیه در صفحه ۴

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر بیشتر از مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراسی خلقهای ایران



شرایط نوین، سازماندهی نوین

بقیه از صفحه ۱

سکاری، کراسی، اخراج، کمبود، سلب حداقل حقوق آزادیهای فردی و اجتماعی، دستگیری، زندان و اعدام عزیزترین فرزندان خلق و هزاران عامل دیسکر هرروزه کارگران و زحمتکشانی را بحدی میکشاند که آمدهای فراوانی با نفعی بسته بودند که با تمام وجودشان در آن شرکت کرده بودند و اکنون آن آمدها را بر باد داده اند. آنها اکنون با کوله باری از تجربه تلخ و شیرین بر علیه موانع و عوامل بازدارنده مبارزه شان در جهت تامین منافعی که برآیند

در جنبش اوضاع و احوالی سازمانهای انقلابی و سبزه سازمان ما که رزمندگان و فدائو کار بی را طی چندین سال با نجات رسانیده است و مورد اعتماد عمیق بوده است. وظیفه بی خطری بعهده دارند: از یکطرف خشنی کردن آنها چو حیثیت که حاکمیت بقصد سرکوب آنها وسیعاً بر دیگر حفظ خود را ز طرف دیگر حضور فعال سیاسی در صحنه مبارزات طبقاتی سازماندهی و هدایت توده های مبارز و بویژه طبقه وسیع پیشگامان و پیشروانی که مدام زو بسوی سازمان مبارز روز روزه خود میاورند و هدایت و نظارت دقیق سازمانی را میطلبند.

بدواً لازم است که کید است که یکی از میانجی و اصول سازمان ما که توسط رفیق امیر پرویز بویا پخشور بزه شده است بقای رشد یافته و فعال است. بدین معنی که رفیق یار د ثنوری بقا "ده جهل (که عملاً" بجزرکتی را شرط بقا کرده بودند) یعنی از لایحه بقا دانسته است و این آن اصل اساسی است که بویزه با توجه به شرایط کنونی رهنمون عمل ما خواهد بود.

بعلاوه با توجه به رهنمودهای ارزنده کمیونتریکه "هر قدر تیر و شمشیر تیرا نشد، مسئله کارها با محدودیت زمانی بیشتری در مقابل تشکیلات قرار میگیرد. دست زدن به ایجاد تشکیلات بدون در نظر گرفتن این مطالب در مرحله خاصی بیک بحران تشکیلاتی در توجیه استفاده از - افرادی که از طرف پلیس شناخته شده اند، منجر میشود از همین طریق دشمن به عملاتی که اسف بارترین نتایج سیاسی را در بر دارد، مبادرت میکند" (تلفیق کار مخفی و علنی - صفحه ۱۱)

بویزه در شرایطی که هدف ضد انقلاب تا بودی سازمانهای رزمنده کمونیستی است، این سازمانها با یستی با جذب و آموزش مداوم نیروهای تازه نفس و مبارز چریک دایم و لاینقطع از کار - هارانا مین کنند. مسلماً "این آموزش وقتی با ارزش خواهد بود که با پراستیک روزمره و جاری و شرکت فعال در مبارزه بوده بی همراه باشد. چنین شرایطی سازماندهی نوینی میطلبند تا بتوانند بمثابه شکلی مناسب محتوی مناسب خود (انجام وظایف پرولتری) یعنی بخش اصول حاکم بر این سازماندهی بقرار - زیر است:

۱- بنظر میرسد که کمبود کار روز روزه، مسلط و بیرون (وبهتر است اضافه کنیم

هوادار را ز طرف دیگر، تا بدینترتیب ظرفیت توان بسیج و سازماندهی نیروهای هر چه وسیعتری فراهم آیند. مسلماً "سازمانها هدایت و کنترل این گروه های هوادار را بعهده میگیرند و رهنمودهای لازم را بویزه از طریق ارگان مرکزی (که بعداً "در باره وظیفه اش در شرایط کنونی، صحبت خواهد شد.) با آنها اراشه خواهد داد. اما در عین حال این اسکا ر عمل خود هواداران است که عمده هدایت را انجام خواهد داد. همینجا لازم است برفقا توصیه کنیم که حتماً "مقاله" وظایف داوطلبان ارتش انقلابی را از کتا "نیروهای مسلح و انقلاب ترجمه آثار ازلین کبیست بخوانند.

۳- جدایی کامل مرکز هدایت مبارزات عملی - دمکراتیک توده ای از تشکیلات مخفی و نقیبت آن بعنوان یک مرکز تصمیم گیرنده سپردن امر هدایت و رهبری هسته های سرخ درون این شکل به آن. لنین در طرح پیشنهادی به کنگره وحدت موضوع را چنین فرمول بندی کرده است: "از آن جا که... اثبات شده است که در هم آمیختن دستگاه مخفی و علنی سازمان - حزب گذشته ترین علل برای حزب است و در خدمت تحریک کنندگان دولتی - پرودکا شور (قرار میگیرد... کنگره باید موافقت کند که... برای هر تنوع فعالیت عمومی در مطوعات، در متینگ - ها، در اتحادیه ها، بخصوص در اتحادیه های کارگری و غیره (بخشهای خاص در تشکیلات حزب شکل بگیرد که بهیچوجه هسته های مخفی را بخطر نیندازد.

(پلاتفرم تاکتیکی برای کنگره وحدت، اصول سازمان حزب جلد ۱۰ مجموعه آثار لنین - صفحه ۱۶۳)

۴- به گروههای محلی و هواداری که در جنب سازمانها ایجاد میشوند توصیه می شود که همکار با سایر نیروهای انقلابی (بویزه دمکراتهای انقلابی و جریانهای انقلابی مدافع منافع طبقه کارگر) افزایش دهند و شکل سازمانی مناسب آنها (که با عقاید ما نوعی کمیته هماهنگی مثلاً "با نام کمیته های مقاومت محله" میتواند باشد) ایجاد کنند تا هم اطلاعات و اخبار را سرعت ببندد و بدل کنند و بدینترتیب اولاً "سب پذیری آنها کاهش یابد و ثانیاً "تحول تبلیغاتی و موضع گیری آنها افزایش یابد. و هم عملکرد مشترکشان توان نیروهای انقلابی را در امر هدایت و رهبری جنبش توده بی وسیعاً افزایش دهد. این کمیته ها بعهده میتواند نندمان به پای به های حیطه آینده عمل کنند.

۵- کمیته های ویژه و فنی، بکه وظیفه آنها بر داختن با مورد نیازگانی و تکنیکی مورد نیاز سازمان انقلابی و مستقل است. از جمله دیگر بخش های تشکیلات است که در اینجا صحبت بیشتر در باره آنها نمی شود. فقط فعالیت آن بخش از این کمیته ها با یستی اشاره و بر آن - تاکیدی که در خدمت آموزش و سازماندهی نیروهای رزمنده و بویزه جوخه های رزمی است، تا بتوانند در آینده وظیفه هدایت و

همه فی چریکها در جنبش کمونیستی مسا و نرسودیک برنا مه سیاست تدوین شده که هم بتوانند مرکا در سازمانی را سرعت بخشد و هم نیروهای جوان و کم تجربه بتوانند بر طبق آن هدایت تشکیلاتی را بنحویه اصولی نیرویون اشکالات و انحرافات اساسی به پیش برند. اغلب تشکیلات - پرولتری را اکنون و ادا کرده است که تن به سازماندهی تا مناسب کمیته بی با حرفه ای بدهند. بدین معنی که جنبش هر قدر با طبقه بی تحت نام کمیته (بسیا کمیسیون) خاص خودش سازماندهی شود. هدایت و کنترل گردد. (ویقول رفیق سی بحای ایجاد یک سازمان پرولتری - که با یستی ایجاد یک طبقه ای آن را تا ۸۰٪ - کارگران پیشرو و انقلابی تشکیل بدهند. سازمانی از سازمانهای اقل و طبقات مختلف و با نهراتست بگوئیم مرکز - هماهنگی سازمانهای اقل و مختلف - بوجود آمده بود. بهر حال اکنون که اولاً: آن ضعف مغرط کارهای جنبش شانیا: آن نفس با رزا زمانها در مورد برنامو و سیاست محدود زبانی مرتفع شده است و بخموم اکنون که اقل و طبقات خلق همگی در صحنه هستند و مبارزات آنها بطور عمده در خیا با آنها و محلات جاری است و حتم انداز جنبش توده بی نیز بیاتر اس مسئله است بر سازمانهای کمونیستی است که کمیته های محلی (منطقه بی و - ایالتی و غیره) را اساسی طرح تشکیلاتی خود کنند تا اولاً: بکندی ارتباطات بر طرف شود. بدین معنی که هم انتقال تصمیمات و مصوبات ارگانهای هدایت کننده با توده های تشکیلات سرپرست و فعال تر شود و هم رابطه توده های تشکیلات مناطق با ارگانهای هدایت کننده و تصمیم گیرنده سریعتر گردد. در نتیجه ارگانهای مرکزی سازمان سریعتر و مستقیم تر در جریان رویدادهای مناطق قرار میگیرند و ارتباطات و تشکیلات ارگانیک می شود. ثانیاً: رهبری بالمشبه قویتر منطقه (محل یا ایالت و غیره) بهتر و سریعتر از پیش تغییر و تحولات بر می آید و در مقابل آنها سریعتر و اصولی تر موضع میگیرد و بویزه در مقابل تغییر و تحولات انعطاف و تحرک لازم را نشان میدهد و بدینترتیب نه تنها از نظر تبلیغاتی نیرو حضور سیاسی فعالتر میگردد، بلکه با واکنش سریع و بموقع محلات و حیثیت ارگانهای سرکوب حاکمیت را خنثی میکند. بدین معنی است که کمیته های - حرفه بی "با اعتبار دیگر" کمیته های تشکیلاتی (مانند کمیسیون کارگری، - کمیسیون دانش آموزی و غیره) همچنان امرها هنگ کردن حوزه ها و تدوین سیاستهای خاص و تهیه مطالب تخصصی آن حوزه کار و فعالیت سازمانی را بر برای ارگان مرکزی به پیش خواهند برد.

بقیه در صفحه ۱۲

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران



کشاورز و سرکوب انقلابیون نشانه‌دگری از دشمنی رژیم با زحمتکشان!

رژیم سرکوبی عربی و بیوروشی وحشیانه را از زمان داده‌است. از سویی شاه‌هدیم که انقلابیون گروه کردست - سرکوبی جوخه‌های عدا مسپرده، بشوند، دستگیری و شکنجه نیروهای مبارز را با دو سیم می‌یاخته است و زندانها مملو از بهترین فرزندان خلقند. و از سویی دیگر شاه‌هدیم که شوراها را یک رخا نجات مودت - سورس را سرری انجمنهای سلامی قرار گرفته، کارگران مبارز را خراج دوستگیری می‌شوند و هرگونه عذاب و اعتراض با یورش - وسیع با ساداران درهم شکسته می‌شود. در ادارات جو رغب و وحشت حاکم غشته است و هرگونه حرکت انقلابی با اخراج و دستگیری یا سخر داده میشود. رژیم بیوروشی وحشیانه را به مبارزات توده‌ها شکل داده است، دهکده‌اران سرکوب می‌شوند، آلونک نشینان خانه بر سرشان - خراب می‌شود... رژیم در مورد دستگیری، سرکوب و کشتن انقلابیون تبلیغات وسیعی می‌کند و حتی توده‌ها را بشکلی مذبحخانه به شرکت در این سرکوبها فرا میخواند. اما هیچگاه در مورد سرکوب شوراها، کشتن کارگران، شکستن اعتماد با دستگیری کارگران مبارز و یاد در مورد خراج و توبیخ‌های انجام شده سخنی به میان نمی‌آورد.

رژیم جمهوری اسلامی همواره برای اعمال سیاستهای ضد خلقی خود و از جمله سرکوب توده‌ها، کشتن رخلقها و بیوروش به دست وردهای قیام خلق، نیروهای انقلابی را سر راه خود یافته است، و در این رابطه است که همواره مذهب تشدید سرکوب و کشتن رخلقها و بیوروش به دست وردهای انقلابی توده‌ها، سرکوب نیروهای انقلابی است.

مگر ممکن است نشريات انقلابی انتتار را ببنده رژیم برآ حتی بتوانند توده‌ها را سرکوب کنند، مگر ممکن است دانشگاهها، این سنگرهای آزادی ساز باشند و رژیم بتواند آنها را حتی در کردستان کشتن رکند، مگر ممکن است رژیم سرکوب خلق را فا رغا زافشاگریهای نیروهای انقلابی و مبارزه آنان به پیش ببرد، همواره تا می‌سیاستهای ضد خلقی رژیم از سوی نیروهای انقلابی افشا گشته است، فدا ثیان خلق و سایر نیروهای انقلابی همواره دوشا دوش و پیشا پیش خلق در مقابل رژیم ایستاده اند، حرکات ضد خلقی و سرکوبی آنها را افشا کرده اند و در مقابل آن به مبارزه برخاسته اند و از اینروست که رژیم همواره پیش از تشدید سرکوب خلق به سرکوب نیروهای انقلابی و مترقی میپردازد.

بیا دنیا و رید سرکوب خلق عرب مقدمه اش سرکوب فدا ثیان، حمله به ستاد آنان در آبادان، دستگیری و شکنجه نیروهای انقلابی - سرکوبی بود. اما در پس این یورش به فدا ثیان و نیروهای انقلابی، کشتن رخلق عرب نهفته بود، سرکوب و کشتن رختین ترکمن صحرا و بیوروش به شوراها و دهقانان - مقدمه اش ترور رفقای فدا ثی توماج، مخنوم، و اجدی و جرجانی و تشدید حمله به فدا ثیان خلق بود. اما در پی آن خلق ترکمن به خون کشیده شد و شوراها مورد یورش قرار گرفت.

بیا دنیا و رید رژیم ۲۸ مرداد سال

۵۸ ابتدا یورش خود به ستادها و زمانهای انقلابی و فدا ثیان و مجاهدین و سایر نیروها آغاز کرد، ابتدا نشريات انقلابی را شوق نمود و نیروهای انقلابی را مورد دستگیری و ترور قرار داد، اما پس از آن کشتن رخلق کرد را شدت بخشید، خاک کردستان را به راکت و موشک بست و یورش خود به این خلق فهتمان را تشدید کرد و در پس آن یورش به شوراها را تشدید نمود و سعی کرد این سنگرهای مبارزات خلق را نابود سازد.

رژیم ابتدا به فدا ثیانها یورش آورد، فدا ثیانها را نشوونگی انقلابی را تسخیر کرد، دانشجویان مبارز را کشتن نمود، در دانشگاهها را بست، اما پس از آن سرکوب و کشتن روحیانه در کردستان را پی گرفت و یورش به تمام دستاوردهای قیام خلق را شدت بخشید.

نمونه‌های این سالها را حتی در هرکوی و برزن، در هر کارخانه و روستا نیز میتوانیم ببینیم. هرگاه انجمن اسلامی قصد یورش به شوراها را دارد رژیم میخواهد هم مبارزات کارگران را به شکست کشاند، هرگاه هدف ما بله و سرکوب است اعتماد، نخصن و یا مبارزه و انقلابی است ابتدا کارگران پیشرو دستگیر و یا خراج می‌شوند و سپس رژیم سرکوب مبارزات کارگران را به پیش می‌برد.

و با لآخره و قباغ اخیر نیز خوبسی نشان میدهد که چگونه رژیم جهت پیشبرد سرکوب و وحشیانه توده‌ها در ابتدا نیروهای انقلابی را مورد یورش قرار میدهد تا به خیال خود بتواند با فراغ بال توده‌ها را سرکوب نماید. در قباغ اخیر به خوبی دیدیم که چگونه فدا ثیان، مجاهدین و سایر نیروهای انقلابی موردتهاجم قرار گرفتند، تظاهرات مسالمت آمیز نشان بخون کشیده شد، فرروشدگان نشريات و بخش کشتن دگان اعلامیه‌ها نشان دستگیر، شکنجه، ترور و عدا شدند، چگونه رژیم تمام نیروی خود را جهت سرکوب آنان - بگسار گرفت، چگونه نوجوانان بسیاری را فقط به جرم فدا ثیان از نیروهای انقلابی به جوخه عدا مسپرد، اما در پس این حملات هدف اصلی یعنی سرکوب توده‌ها را بهینه به پیش برد. دیدیم چگونه کارگران شهر صنعتی به رگبار بسته شدند، دیدیم چگونه کارگران مبارز دستگیر شدند، شوراها مورد یورش وحشیانه قرار گرفتند، کارگران مترقی و آگاه را خراج کردند، هرگونه حرکت اعتراضی جهت تحقق خواسته‌های به حق کارگران، چگونه پاسخ داده شد. دیدیم چگونه در پس تشدید سرکوب نیروهای انقلابی رژیم به تخریب خانه‌ها و آلونکها - های زحمتکشان پرداخت و آلونکهای بسیار را از جمله در جوار میدان آزادی با خاک یکسان کرد، دیدیم چگونه یورش به کردستان تشدید شد، دیدیم چگونه رژیم دهکده‌اران را موردتهاجمی وحشیانه قرار داد، دهکده‌ایسان را خراب کرد و خودشان را مورد ضرب و شتم و دستگیری قرار داد. آری دیدیم که چگونه در پس یورش به انقلابیون سرکوب توده‌ها نهفته بود. اینک توده‌ها همانگونه که به یاری تجارب عملی خود روز بروز بیشتر به ما هیت ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی پی می‌برند، بهما نگونه نیز روز بروز بیشتر

در میابا بند که دشمنی رژیم با نیروهای انقلابی فقط و فقط بدلیل دشمنی با خلق و منافع خلق است. توده‌ها در میابا بند که رژیم از نیروهای انقلابی را سرکوب میکند که در عمل ضد خلقی خود آنها را در کشتن رخلقها و در مقابل خود میباید. از اینرو که نیروهای انقلابی همواره تمام اعمال ضد خلقی و سرکوبی رژیم را می‌کنند و در مقابل آن به مبارزه بر می‌خیزند، آگاهي را به میان توده‌ها می‌برند و آنها را از زمان میدهند رژیم از نیروهای انقلابی انقلابی دشمن است که مبارزات توده‌ها را ارتقاء می‌بخشد.

توده‌ها در میابا بند که فدا ثیان از اینرو سرکوب، ترور، عدا، زندانی و شکنجه میشوند که به فدا ثیان سرکوبیهای رژیم در مقابل خلق میپردازند، زیرا که ما هیت با سادار و سرما به رژیم را بر مصلای می‌سازند، زیرا پرده از روی فدا ثیانها را سارتنبا را میباید لیستی رژیم قرار داد ننگینی چون موافقتنبا مهالجزا بر جهت آزادی گروهگانیها بر می‌کشند، زیرا که به افشای ما هیت ارتجاعی جنگ میپردازند زیرا که در مقابل فقر و فلاکت توده‌ها، در مقابل گزافی، بیگاری و آوارگی توده‌ها به اعتراض میپردازند، توده‌ها در میابا بند که فدا ثیان از اینرو سرکوب می‌شوند که در کشتن رخلق کرد و جهت حفسد منافع و دستاوردهای زحمتکشان کسرند میرز مند، زیرا که در کشتن رکا رگزان جهت ایجاد دشوراها ی انقلابی، جهت رشد و تکامل و آگاهي آنان جهت بدست آوردن حقوق حقتشان میرز مند، زیرا که در کشتن رگزان روستا ثیان برای تحقق کشت شورا، برای تقسیم مودکراتیک اراضی به مقابل بله با زمینداران بر میخیزند، زیرا که فدا ثیان حامی وپا سدا ر حقوق خلقند و در هر کارخانه یا محلی حقوق شعری صورت میگیرند دست به افشاگری، اعتراض و مبارزه میزنند.

توده‌ها در میابا بند که فدا ثیان از اینرو سرکوب و کشتن می‌شوند که سخن از حقوق توده‌ها، حقوق زنان، دانشجویان، دانش آموزان، پرسنل انقلابی، معلمین، کارمندان و روشنفکران بزبان می‌راشند و با لآخره توده‌ها بتدریج برآشتر تجارب عملی خود در میابا بند فدا ثیان و تمام نیروهای انقلابی از اینرو سرکوب و کشتن می‌شوند که به مقابل بله با سرما به و سرما به داری برخاسته اند.

توده‌ها کم در میابا بند که سرکوب نیروهای انقلابی مقدمه‌ای جهت سرکوب آنان است و از اینروست که علیرغم تبلیغات جهنمی رژیم، علیرغم فتواها و سیاستهای سران ورهبران و علیرغم تهدید توده‌ها به عدا، دستگیری و سرکوب فدا ثیان و سایر نیروهای انقلابی هر روز پیش از روز پیش در دریای حمایت توده‌ها به بقای رشدیابنده خود و به رشد روز افزون خود ادامه میدهند.

آری توده‌ها در میابا بند که سرکوب فدا ثیان و سایر نیروهای انقلابی از دشمنی رژیم با خلق و از همسنگس نیروهای انقلابی با توده‌ها ریشه می‌گیرد و در این دریافتن است که نطفه‌های مرک رژیم بسته می‌شود.

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



جنبش جهانی

کارگری
رهاييخش

السالوادور

۱۳ ایالت از ۱۴ ایالت السالوادور صحنه نبردهای انقلابی است



آموزش فنون نظامی به یک گروه ۱۰۰ نفری از مردم توسط یک فرمانده جوان چریک

اصلی رژیم برای سرکوب مبارزات خلق، اینچنین پروپاگاندای نبردهای انقلابی از بیای درآمده است، ارتش چریکی توده ای هر روز با بدیده تر و پرقدرت تر به نبرد خویش ادامه میدهد. و به گفته سنخسوی (جبهه رها شیبخشن ملی فارا بوندما رتی) هر روز بر تعداد مبارزان آزادخواه - افزوده میگردد. در حال حاضر ۱۳ ایالت از ۱۴ ایالت کشور عرصه نبردهای نبرو های انقلابی و ارتش خدا انقلابی است. نواحی شمالی کشور در تصرف کامل چریکهای، انقلابی است و آنها خود امنیت حفاظت و خدمات عمومی این نواحی را برعهده دارند. نیروهای انقلابی از طریق بخش برنامها را دیوی خویش در این مناطق به تبلیغ اهداف و برنامها - انقلابی وسیع شده است و حول شعارهای انقلابی میگردانند.

خلق بیباک سته السالوادور در - مبارزات مسلحانه خویش علیه خونتای نظامی حاکم هر روز به پیروزی های بیشتری دست می یابد. این مبارزات طی چند هفته اخیر، با آغاز تفرقات نبرو های انقلابی به شهرهای سرشیتوتو و گوازا یا (در نزدیکی پایتخت) و نیز شهر سن آنا (مهمترین شهر کشور پس از پایتخت) و چارزای یافته است. خونتای نظامی حاکم، برای رویارویی با این گسترش روزافزون و همه جانبه مبارزات نبروهای انقلابی، سیاستی دوگانه پیش گرفته است. از یک سو به سرکوب وسیع نیروهای انقلابی، مردم عادی هوادار آنها و سازمانهای دموکراتیک پرداخته است، که از آنجمله می توان از ترور عناصر انقلابی، زنده سوزاندن ۱۵۰ نفر در یک غار و یورشهای مکرر به مردم بی دفاع و قتل عام آنان را به جرم کمک رسانی و حمایت از چریکها، نام برد. از سوی دیگر رژیم تلاش می کند تا با اعلام برگزاری - رفتارند و مردمیها رسال آینده هم اعمال وحشیانه و سرکوبگرانه خویش را پرده پوشی نماید و هم با دادن اجازه شرکت در انتخابات به برخی نیروهای جناح مخالف، در صفوف اپوزیسیون تفرقه ایجاد کرده و عناصر را رنگارنگ را به سوی خود جلب کند.

ارتش تا حال چندین بار با اسلام شروع عملیات با کساری نموده است ولی هنوز موفق به بازپس گرفتن هیچک از مناطق اشغالی از طرف نیروهای انقلابی نشده است.

نیروهای انقلابی همچنین برای ایجاد ارتباط با توده ها و آشنا ساختن آنان با فنون نظامی و روشهای مقابله با ارتش به اشغال موقت برخی نواحی اقدام می کنند. علیرغم آنکه هر بار پس از خروج نیروهای انقلابی از مناطق اشغالی موقت، رژیم با حملهای گسترده به کشتار ساکنین محلی می پردازد، با زهم توده ها با ورود چریکها به شهرشان بدون وا همه از کشتار بعدی رژیم، به استقبال آنها میروند.

همانگونه که جبهه دموکراتیک انقلابی السالوادور و جبهه رها شیبخشن ملی فارا بوندما رتی در بیانیه مشترکشان در هفته اخیر اعلام نموده اند: نه افزایش کمکهای نظامی امپریالیسم امریکایی به رژیم جنایتکار حاکم السالوادور، نه تشدید سیاستهای سرکوبگرانه این رژیم هیچکدام نمیتواند ارتش را از گسترش مبارزه - مسلحانه خلق جلوگیری کند.

در این میان نیروهای ارتشی به دنبال شکستهای بیپای در مقابل چریکها، روحیه خویش را از دست داده اند و با حادث شدن تفرقه های درونی ارتش، سرپیچی سربازان از دستورهای فرماندهان نشان هم افزایش یافته است. جسر ارباب و وحشت حاکم بر ارتش نمیتواند از پیوستن سربازان به جبهه انقلاب - جلوگیری کند. طی چند هفته اخیر، ۵ پلیس از یک شهر مرزی السالوادور به هندوراس گریخته اند و نیز ۲۰ سرباز در یک درگیری با چریکها در شهر سن میگو - کل عرصه کشتن به رویشیروهای انقلابی شده و به صفوف آنان پیوستند. در شرایطی که ارتش این امید

گواتمالا

با گسترش حرکات اعتراضی و نهجانات انقلابی خلق گواتمالا در برابر رژیم دیکتاتوری فاشیستی ژنرال روملو لوکاس گارسیا در گواتمالا، نظام میسان حاکم در این کشور نیز به منظور تامین حد اکثر سود سرما به داران داخلی و منافعی - انحصارات غارتگر امپریالیستی از یک سو سرکوب و استثمار هر چه بیشتر از چمتکان از دیگر سو به استفاده از باندهای شبه نظامی توسل جستند.



گرانما ۱۹۸۱

عکس فوق که در آن آنها رشکجه جای کلوله بر اجساد به خاک افتاده مبارزان گواتمالا مشهود است، صحنه ایست از اقدام جنایتکارانه باندهای شبه نظامی علیه کارگران و زحمتکشان در منطقه جنوبی گواتمالا.

باندهای سیاه با پشتیبانی نبرو های مسلح سرکوبگر، جهت ایجاد محیط رعب و وحشت، هر روز در امریکای مرکزی به جنایاتی از این قبیل دست می یازند تا بتوانند با سرکوب جنبش توده ای، - زمینه ادامه بهره کشی غارتگران را مهیا سازند. و این درست همان کاری است که رژیم جمهوری اسلامی با کمک باندهای سیاه حزب اللهی، کمیتها و پاسدارانش، طی دو سال و نیم حاکمیت اش به انجام آن مشغول بوده و همواره کوشیده است با ترور انقلابیون و رها کردن آنها در بیابانها، رکورد و خفگان را به توده ها تحمیل کند. ولی بی شماری از اقدامات سرکوبگرانه به اشکات رسیده و تنهها بیباکتر صف و درماندگی رژیم های ضد خلقی در برابر گسترش و تنگنا ملی مبارزه - طبقاتی است و نشانه نگر تلاشهای مدبوحانه و بکارگیری شیوه های کهنه شده ای است که شعارها را روسرما به گسترده خواهد ساخت و غرضهای نویینی از مبارزه - طبقاتی را پدید خواهد آورد.

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهایی بخش

از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران خطاب به خلقهای قهرمان سراسر جهان و سازمانهای انقلابی و دموکراتیک

خلقهای مبارز! رزمندگان انقلابی! دوستان و رفقای همسنگر!

دو سال و نیم پیش خلقهای تحت ستم ایران با قیام شکوهمند خود به حیات ننگین رژیم دست نشانده پهلوی پایان دادند و به این ترتیب ضربه نیرومندی بر پیکر سرکوبده غارتگران جهان امپریالیسم آمریکا وارد آوردند. اما بعلمت نبود - آنچنان سازماندهی انقلابی و آنچنان نیروی پیشاهنگی که بتوانند انرژی عظیم توده های میلیونی ایران را جهت تکمیل انقلاب بسیج و رهبری و در رأس آن خمینی انقلابی ساژن طیفی و در رأس آن قدرت سیاسی را در دست گرفت و این قدرت را در خدمت بازاری سیستم ضربه خورده سرما به داری و وابسته در جهت سرکوب جنبش انقلابی خلقهای ایران قرار داد. طی دو سال و نیم گذشته حزب جمهوری اسلامی، حزب تجار و سرما به داران وابسته با برخورداری از پشتیبانی کامل خمینی و با تکیه بر توهم وسیع ترین اقشار ناآگاه خلق کامیابا مواضع کلیدی قدرت را از چنگ رقیب ضد انقلابی دیگر خود یعنی لیبرالها و سرما به داران صنعتی بیرون آورد و در نهایت نیز با خلق کودتا گونسه بنی صدر از تمامی مناصب خود، حاکمیت کامل خود را بر کلیه ارگانهای حکومتی تثبیت کرد.

اکنون با نگاهی به کارنامه ننگین دو سال و نیم حکومت جمهوری اسلامی شکی باقی نمیماند که این رژیم و سیاست - هایش تماما "در خدمت بازاری نظام - سرما به داری و وابسته قرار داده و همچنان نیز با سرعت تمام این سیرا می پیما بد. امروزه تنها بسیاری از قرار دادهای - اسارت با را قتمادی و نظامی رژیم شاه با امپریالیستها با برجاسته بلکه در - موارد بسیاری نیز قرار دادهای جدیدی با انحصارات جهانیه بسته شده که بعد اسارت با آن کمترین قرار دادهای سابق نیست. امروزه نیز بشکلی کامل چون گذشته دست سرما به داران و زمینداران در چپاول، استثمار و غارت کارگران و زحمتکشان ایران با زاست و تمامی قدرت حکومتی در خدمت تامین منافع آنان قرار داده و امروزه ارتش شاهنشاهی با بکارگماردن تیمسارهای سرسپرده آمریکا بشکلی کامل با حفظ سیستم ضد خلقی آن بازاری شده و در خدمت سرکوب توده های زحمتکش قرار داده.

اگر چند صبا چیر رژیم جمهوری اسلامی سعی کرد چهره کریه سرکوبگرانه، ضد خلقی و حامی سرما به داری خود را زیر ما سک فریبکشان را نه خدا امپریالیستی بیوشاند، اگر چند صبا حی رژیم به چریه های چون گروگان گیری و تسخیر سفارت آمریکا

متوسل شد، اینک دیگر این ماسک زان نیز کنار رفته ده است و آشکارا کارگمای سریع خود را در جهت تحکیم و ابستکی بسط امپریالیسم بر میدارد. رژیم اینک علنا "قرار داده های اسارت با ری چون قرار داده دنگین تالیوت کروپ، میخوسوی و... را با انحصارات امضاء میکند. اینک علنا "به خرید تسلیمات از امپریالیستها مشغول است. و اینک علنا "به رژیمهای دست نشاندهای چون رژیم ضیاء الحق در پاکستان پیشنهاد نزدیکی و دوستی و عقد قرار دادهای - نظامی منطقیه ای مینماید.

رژیم کنونی از همان آغاز زوری کار - آمدنش برای سرکوب انقلاب کمربسته تا بوی دستاوردهای انقلابی توده هایست رژیم از اولین روزهای حکومتش به سرکوب - شورا های انقلابی مردم برداخت و در این راه کارخانه ها و روستا ها را مورد یورش - قرار داد. در دو مین ماه حکومتش ترکمن صحرا و شورا های دهقانان را بخون کشید، در کردستان خلق قهرمان کرد را بمباران کرد، مبارزات خلق عرب ایران را با - یاری تیمسار آمریکا بی مدنی سرکوب نمود و در این راه هزاران تن از بهترین فرزندان خلق را با گلوله، راکت ها و بمبهای آمریکا بی به خون نشانند. رژیم از همان روزهای آغاز حکومتش نیروهای انقلابی و سازمانهای مترقی، - مدافعین راستین انقلاب را اما حملات وحشیانه خود قرار داد.

نه تنها زندانها و شکنجه گاهای شاه جلاد را این با رخت پوشای اسلام بکار گرفت بلکه بسیاری زندانهای جدید برپا ساخت و کار را بجای رسانید که اینک استادیوم های ورزشی را به زندان انقلابیون و توده های مبارز تبدیل ساخته است.

بیدارگانهای قرون وسطایی رژیم که در ابتدا جهت قریب خلق و تحت فشار جنبش توده ها چند تن از بدنام ترین بسن چهره های رژیم شاه را اعدا کردند به سرعت در خدمت سرکوب نیروهای انقلابی قسار گرفتند و تاکنون صدها تن از مبارزین را به جوخه های اعدا سپرده اند. تنها در یک ماه اخیر بیش از دویست نفر از مجاهدین، فدائیان و سایر نیروهای انقلابی بدون آنکه کمترین مهلت دفاعی داشته باشند در دکانهای در بسته به اعدا محکوم شده اند و در مقابل جوخه آتش قرار گرفتند. در موا ر دیسیاری رژیم حتی منتظر شناختن نام انقلابیون نشده است. در میان اعدا شدگان دهها شکوفه انقلابی، دختران و پسران ۱۳ تا ۱۸ ساله وجود دارند که در پیشگاه سرما به داری - سلاخی شده اند.

رژیم جمهوری اسلامی آزادبها سیاسی را به تمامی با بمال نموده است. نشریات و روزنامه های انقلابی کاملاً - ممنوع گشته اند، کتب زیر سانسور سیاه

قرار داده درند، هرگونه اظهار نظر سیاسی و مخالفت با رژیم با دستگیری، ترور، - شکنجه و اعدامها سخته میشود. رژیم فقط در دو ماه اخیر چندین بار نظارهات مسالمت آمیز مردم، کارگران و نیروهای انقلابی را به رکیا بسته است.

توده های زحمتکش ایران تحت شدید ترین فشا زندگی، گران، بیگاری، بی خائمانی و آوارگی قرار دارند.

جنگ نیز با ماهیت ارتجاعی و ضد انقلابی خود (همچنانکه برای زحمتکشان عراقی) هر روز گشتا رها و ویرانیهای - جدیدی برای زحمتکشان با رمان می آورد.

رژیم که از با سخگوشی به بحران اقتصادی سیاسی - اجتماعی جاری عاجز است، همچنان برای منحرف کردن مبارزه - زحمتکشان را دمنه ای جنگ ارتجاعی و ضد انقلابی را وسعت میدهد و مخارج سنگین تری را بردوش زحمتکشان تحمیل میکند. در چنین شرایطی رژیم می کوشد با اقدامات تبهکارانه و با اعمال ترور و سرکوب توسط با سداران و با ندهای - سیاها و پایش و دیگر ارگانهای سرکوبگر خود مجدداً "با به شوم دیکتاتور سیاه را بر سر مردم بکسارتد.

خلقهای ایران امروز در چنین شرایطی قرار دارند اما علیرغم تمامی این سیاستهای ضد خلقی میروند تا مبارزه ای دورا نسا زرا علیه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی سازمان دهند. هم اکنون علیرغم تمامی تلاشهای رژیم در سرکوب نیروهای انقلابی و وا داشتن توده ها به جاسوسی و سرلیه آنها، - فدائیان مجاهدین و سایر نیروهای - رزمنده در پرتو حمایت ما دی و معنوی خلق به حیات روبرو شدند و ادامه میدهند و خود را برای نبردی سرنوشت ساز، نبردی درگنا و پیشاپیش خلق با سرما به داران و رژیم حامی آنان آماده می سازند. امروز خلق قهرمان کرد نیز بمباران بی امان خود در زیر آتش راکتها و گلوله ها و در زیر شدیدترین بمبارانها شد.

امروزه دیگر رژیم جمهوری اسلامی بجز در میان سرما به داران با زار و زمینداران، بجز در میان مزدوران و اجیرشدگان و جزد در میان عقب مانده ترین اقشار خلق پایگاهی ندارد و حتی مجیز گوئیهای خائنینی چون "حزب توده" و "اکثریتی های راست که بدروغ نام - فدائی بر خود نهاده اند نیز تا نسری در سرنوشت محتوم این رژیم نخواهد داشت. خلقهای مبارز از سازمانهای انقلابی و ضد امپریالیست، همسنگران آنچه گفته شده است گوشه ای از چنانی است که توسط رژیم جمهوری اسلامی در - میهن ما میگردد. اما شما که خود درگیر مبارزه با امپریالیسم و سرما به داری -

نه سازش نه تسلیم نبرد با آمریکا



هستید، شما خلقهای مبارز کشورهایی
تحت سلطه که خود را کثرتاً "مفهوم دیکتاتور
را با گوشت و پوست خود لمس می کنید و شما
مبارزینی که در زیر شدیدترین سرکوبها
به رزمی دلیرانه علیه امپریالیسم جهانی
مشغولید، مسلماً "بدرستی شرایط حاکم
برهم زنجیران خود در ایران را درک -
خواهید کرد. آری روی سخن ما با شما -
ست با شما که خوددستی از نزدیک بر آتش
دارید. با شما که شیوهرای تبلیغاتی
که میکوشید بهره کشی و سرکوب سرما باشد -
دریوا در پیشروشن نگاه دارید و رژیمهای
فد خلقی را حاکمی خلق قلمداد کنید مسی
شنا سید، آری رژیم ایران بجز سرکوب و
کشتار خلق، بجز گران، فقر و بیگاری -
چیز دیگری برای توده های مستمیده ایران
نباشد و رده است. اما بهترین سیاست
های این رژیم در عرصه خارجی را نیز -
بررسی کنیم.

دست نیافت، و حتی علیرغم تبلیغات -
دروغین بسیار این رژیم حتی یک سازمان
انقلابی در سراسر جهان نیست که در ایران
دفعتر نام دیگری داشته باشد و بتواند
آزادانه تبلیغات و فعالیتهای خود را به
پیش برد. آری شما می آیین مسائل طبیعی
است و ما بدون شک میگوئیم، اگر این رژیم
دوام بیاورد و درگیری نخواهد پیدا کرد حتی
همین تبلیغات ظاهری را نیز بکناری -
ببندد و آنکارا به توطئه علیه سازمانهای
مترقی منطقه و سرکوب خلقها بپردازد، و
هیستری فکرمونستی سرما پیدا رانه
رژیم بزدلی و راهم پیمان آشکارا با سیاست
های جهانی و بیگاری با بیگاری مضمئن
برای آنان درخواهد آمد.

همسنگران، رفقا

زحمتکشان، خلقهای تحت سلطه

سازمانهای انقلابی و ضد امپریالیست

جای بس تا سفاک است که برخی از -
سازمانها و جریاناتی که مدعی مبارزه با
امپریالیسم و ارتجاع هستند از جمله
جریاناتی در جنبش فلسطین، امروز تمام
این واقعیتها را نادیده میگیرند و در
مقابل سرکوبها و کشتارهایی که علیه
انقلابیون و زحمتکشان ایران جریان -
دارد سکوت میکنند.

همسنگی مبارزاتی و وظایف
انترناسیونالیستی، ما را بر آن میدارد
که از طریق شما خلقها و سازمانهای انقلابی
به آن بخش از جریاناتی که برغم خواست
خلقهای مبارز و سازشناپذیر، جنبش
سوسیالیستی را در جنبش ایران آشکار
کرده اند و حتی گاه از سیاستهای رژیم
شبهکامپرونیسمی بطور آشکار دفاع
میکنند هشدار دهیم. باید بگوئیم که این
وجه از سیاستها و کشتارها و کشتار
به آرمایهای ضد امپریالیستی و خلقهای
زحمتکش جهان نیست و ادامه آن موجب -
تزلزل و خلل در سنگر جهانی مبارزه با
امپریالیسم و ارتجاع خواهد شد.
ما در ایران مرکز خودخواهانه
عین همین انتقادات را بصورتی رفیقانه
و صریحاً ز برخی کشورهای سوسیالیستی و
احزاب کمونیست مطرح کرده ایم و در اینجا
همین قدر متذکر می شویم که موضوعی برخی
از این کشورها و احزاب در رابطه با جنبش
انقلابی ایران منافی با اصول انترناسیو -
نالیزم پرولتری است.

رفقا، همزمان

خلقهای مبارز و تحت سلطه جهان

سازمانهای انقلابی و ترقیخواه

اجازه دهید سکوت شرم آوری را که
هنگام سرکوب جنبشهای انقلابی و مردمی
در عراق، مصر، سودان، عمان، اندونزی، بر
موضوعیهای برخی سازمانها و احزاب
حاکم بود، در مورد انقلابیون و جنبش مردمی
ایران تکرار شود. سازمان یا حزبی که
مدعی مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع -
است باید با طبیعت دودلی سیاست باز آن
را رها کند و وفاداری خود را به آرمایهای
و سنتهای انترناسیونالیسم انقلابی
و همسنگی ضد امپریالیستی ثابت نماید.
آیا تجارب زیانبار، موضوعیهای -

شرمگینانه برخی از جریانات هنگام سر -
کوب کمونیستها و انقلابیون دیگر سودانی،
عراقی، مصری و اندونزی... کافی نیست
تا به وظایف انقلابی خود در مبارزه با
عمل کنیم؟ چه بسا لازم است که اسناد و
موضوعیهای سازمانها و احزاب گوناگون
را در دوران سرکوبها یا داشته باشد و دیگر
به قضاوت تاریخ بگذارد.

بهر حال، آنچه به جنبش انقلابی ایران
که ما فدائیان خلق نیز سخنگوی بخشی از
آن هستیم، بر میگرداند، این است که از
همان آغاز پیروزی قیام موروثی را آمدن
رژیم جدید، تا جایی که امکان داشته ایم
همه رفقای خود و همه دوستان را که فکر
میکنیم در سنگر مبارزه با امپریالیسم -
جهانی دوشا دوش آنها قرار داریم، در
جریان رویدادها، عملکردها و ماهیت رژیم
جمهوری اسلامی قرار داده ایم، بویژه در -
مورد سازمان آزادیبخش فلسطین که در
بالا ترین سطوح نمایندگان آنها در ایران
خود از نزدیک در جریان رویدادها پیوسته
اکنون تعجب ما بیشتر از این است که
چگونه این سازمان علیرغم اطلاع دقیقی
که از اوضاع ایران و سیاستها و رژیم دارد،
تن به چنین موضوعی غیر اصولی در -
قبال کشتار و خشکسالی انقلابیون و زحمتکشان
و خلقهای ایران می دهد؟

در پایان تردیدی نیست که ما حساب
مواضع غیر اصولی برخی سازمانها و جریانات
را از حساب همسنگی عمیق و انقلابی -
خلقهای منطقه و جهان که همواره از نزدیک
فلسطین هستیم جدا می کنیم. ما به تضاد
برادرانه خلقهای ایران با آنها وفادار
خواهیم بود. همچنین، ما هرگز کمپرسی
ارزشمند و بیدریغی را که در شرایط مبارزه
با رژیم گذشته از جنبشهای انقلابی و ضد
امپریالیستی جهان بویژه جنبش انقلابی
عمان، ترکیه و فلسطین دریا فت داشته ایم
فرا موش نخواهیم کرد. این کمپرسی پیوسته
همراه بود با عمیق ترین حساسات گرمی
بخش و حاکی از همسنگی بین المللی
که ما در آن راهمان را هم از مضمون ترمیمی ساخت
ما همچنان که در گذشته با مشارکت عملی
خود در این جنبشها نشان داده ایم، در
آینده نیز همسنگی انقلابی خود را ادامه
خواهیم داد. شک نیست که آنچه و بگیری مجدد
جنبش انقلابی در زود بودن دودلیها و
تردیدهایی که اکنون در موضوعیهای برخی
نیروهای مترقی نسبت به اوضاع ایران -
دیده میشود، موثر خواهد بود.

● پایدار باد اتحاد همه زحمتکشان

و خلقهای تحت سلطه جهان

● مرکز بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی

امپریالیسم آمریکا و پایگاههای داخلی آن

● زنده باد انقلاب

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

تیرماه ۱۳۶۰

از رفقا و هواداران سازمان در سراسر
جهان می خواهم که تا مافوق را به زبان -
های مختلف ترجمه کرده و به تمام سازمانها
و گروهها و شخصیتها یا انقلابی جهان ارسال
دارید.

سازشکاران بدانند کارگران بیدارند

اطلاعیه امور مالی سازمان

در شرایط حساس و بحرانی کنونی سازمان جهت پیشبرد وظایف انقلابی و فعالیت کارگران و زحمتکشان و دانشجویان به خواستهای مبرم جنبش پیش از پیش نیاز مبرم به کمکهای مالی شما دارا از هر طریق که می توانید کمکهای مالی خود را همراهِ با کد مربوطه به دست سازمان برسانید.

الف	ز	ز	الف
۲۰۲۵	۱۱۲۲	۱۲۵۴	۲۰۲۵
۲۲۸۷	۲۰۶۸	۱۱۰۵	۲۲۸۷
۱۰۹۹۸	۲۱۱۹	ل	۱۰۹۹۸
۷۶۸	۱۰۰۱	ز - ۲۲	۷۶۸
۵۱۴۹	۱۰۰۲	رفیق حجت -	۵۱۴۹
۲۰۲۲۲	۲۳۰۰۰	گوبین	۲۰۲۲۲
۱۸۴۴	۵۱۸	رفیق الف -	۱۸۴۴
۲۴۵۰	۳۰۲۲۲	ب از سلما س	۲۴۵۰
۲۷۰۰	۲۰۲۰	با هم همراه با	۲۷۰۰
۱۳۲۱	۲۴۴۲۲	شعور سید	۱۳۲۱
۱۴۹۵	۵۰۰۹۶	ط ۱۰۰ (کوبین)	۱۴۹۵
۲۳۲۲	۵۱۲۱	بدون حرف اول	۲۳۲۲
۵۱۲۰	۱۱۱۱	نام	۵۱۲۰
۱۱۰۰	۲۳۲۲	۲۰۰۰	۱۱۰۰
۵۰۷۷	۳۳۲۲	س - ۱۰۰۰۰ ریال	۵۰۷۷
۱۱۰۰	۵۲۲	سطا نیور ۲۰۰۰	۱۱۰۰
۱۶۱۱	۱۱۱۱	ریال	۱۶۱۱
۵۵۰۰	۹۵۲	رفیق بابک -	۵۵۰۰
۱۲۱۴	۵۱۸۴	۲۱۰۰	۱۲۱۴
۱۳۰۰	۲۶۱۲	پیشگاه مدرسه	۱۳۰۰
۱۰۶۶	۵۷۲۲	معلم ۳۰۰۰	۱۰۶۶
۱۳۰۰	۴۰۲۲	س - ش ۶۰۳۲۲	۱۳۰۰
۵۱۲۱	۵۶۲۰	رفقای آه آه هن	۵۱۲۱
۱۰۱۱۲	۱۵۰۲۸۶	۲۱۲۲	۱۰۱۱۲
۲۰۰۰۲	۱۵۱۲۲	رفیق مادر ۲۰۰۰	۲۰۰۰۲
۵۲۶۴	۷۰۰	شوش ۱۰۰۰	۵۲۶۴
۱۰۲۲۲	۱۸۲۸	رفقای کلرا دو -	۱۰۲۲۲
۱۰۰۰۶۶	۱۱۸۰	۱۱۷۰۰۰	۱۰۰۰۶۶
۵۳۲۲	۵۷۷۷	ش - م - ۶۲۰۴	۵۳۲۲
۱۰۱۲۷	۵۱۸۴	عباس آقا کارگر	۱۰۱۲۷
۱۰۶۸۶	۱۱۸۱	ایران ناسیونال	۱۰۶۸۶
۵۲۰۱	۲۲۰۰	۲۵۰۰ ریال	۵۲۰۱
۱۲۳۲	۱۲۱۲	چهره های سجون -	۱۲۳۲
۱۸۸۸	۵۲۱	ما تار ۲۵۰۰	۱۸۸۸
۲۵۳۲۲	۱۲۱۹	سعید ۳۰۰۰ ریال	۲۵۳۲۲
۱۲۳۲	۹۲۲۵	سلطان نیور ۳۰۰۰	۱۲۳۲
۶۰۱	۲۰۵۵	کوبین بن - ۲۱۰۹	۶۰۱
۱۱۲۲	۱۰۰۲۲	سریا زان انقلابی	۱۱۲۲
۵۱۲۱	۲۷۶۲	۲۴۰۰ ریال	۵۱۲۱
۲۵۳۲۲	۱۲۱۹	رفیق م کارگر الک	۲۵۳۲۲
۵۱۲۱	۹۲۲۵	ساز ۱۰۰۰	۵۱۲۱
۲۵۳۲۲	۲۰۵۵	رفقای موشه -	۲۵۳۲۲
۶۰۱	۱۰۰۲۲	ت ۹۲۲	۶۰۱
۱۱۲۲	۴۰۱۱	ج ۴۰۱۱	۱۱۲۲
۵۱۲۱	۲۸۵۵	پ ۲۸۵۵	۵۱۲۱
۵۱۲۱	۵۳۱۵	سرای پیشگاه م	۵۱۲۱

رفقای همدان	۳۱۱۱
ر	۱۱۵۶
ف	۲۱۱۱
س	۱۰۰۸۵
رفقای یابل	۲۵۰
ط	۲۳۱
ف	۱۱۰۰
م	۲۵۰
ع	محمود ۱۵۰۰۰
ابراهیم	۵۰۰
خ	۵۰۱۹
م	۵۹۸
رفقای قاشمشیر	۶۰۰۰
م ب الف	۵۱۲۲
ع	۶۱۲
رفقای نزلسی	۲۰۰۰
سعید سلطان نیور	۶۱۲
ک	۲۰۰۰
پیشگاه مرسته ۲۰۰۰	۲۰۰۰
رفقای یاهجان	۲۰۰
بهرام	۲۰۰
صادق	۴۰۰
م - م	۲۰۶۲
م	۲۵۲۲
گ	۲۵۲۲
لادن (کوبین)	۲۵۲۲
م	۲۵۲۲
چنگل	۵۰۰
ب	۵۰۱
آستانه اشرفیه	۱۰۷۲
الف	۵۰۰
م	۱۵۲۸
ق	۱۱۲۲
با جیک باور	۱۰۰۰
خ	۱۳۰۰
م	۴۵۵۵
رفقای یوزون	۱۰۰۰
ع	۱۰۰۰
بترین	۱۰۰۰
د	۱۶۰۰
ش	۱۰۰۰
سریا زان	۱۰۰۰
رفقای صفهان	۱۳۲۸
م	۴۰۰۰
ل	۵۲۴۲
ش	۵۲۰۰
م	۱۱۰۰
ج	۱۱۲۵
رفیق بهنام	۱۰۰۰
رفیق فرشاد	۱۰۰۰
ر	۵۱۱۲
م	۱۴۵۰
ف	۵۸۶۲
ج	۲۱۱۲
ش	۶۱۸
ص	۲۱۸۱
بدون کد	۳۰۰۰۰
رفقای یاهوند	۱۰۰۰
ک	۷۵۰
س	۱۰۰۰
سلطان نیور	۵۰۰

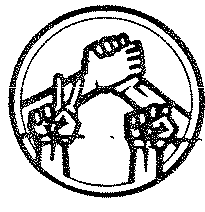
گوبین	۳۰۰۰
مبین	۲۰۰۰
رفقای خرم آباد	۲۴۵۲
م	۲۰۵۶
ج	۲۸۸۸
ع	۲۸۸۸
رفقای اراک	۱۲۲۰
پ	۶۴۱۲
ه	۱۰۱۲۲
م	۱۰۰۱۵
س	۱۱۱۱۰
ب	۵۰۰۰
رفقای یروجر	۲۲۸۵
ع	۲۰۰۰
ز	۲۰۰۰
قدغون	۵۰۰۰
ج	۲۰۰۰
ق	۲۰۰۰
سلطان نیور	۲۰۰۰
ج	۲۰۰۰
نیشا	۲۰۰۰
ق	۱۲۲۲
م	۱۰۵۱
ن	۷۵۲
ع	۲۴۹۹
مادر رضا	۲۰۰۰
ورا	۲۰۰۰
رضا	۶۰۰۰
ع	۴۲۲
رفقای کوشه	۱۰۰۰۰
م	۱۰۰۰
ازنجیر طلا	۱۰۰۰
رفیق کارگر	۱۵۶۲
ج	۱۴۸۵
رفیق کارگر	۷۰۰
با یک	۱۴۸۵
چنگ زدگان نیور	۲۳۱۱
م - ش	۲۳۱۱
ع - خ	۱۰۰۰
نیشا	۲۰۰۰
ب	۵۲۱۰
ک	۷۰۰۰
ز	۲۰۵۵
ع	۲۰۵۵
رفقای خوزستان	۵۰۱۱
ر	۵۰۱۱
بدون کد	۲۰۰۰
سریندر	۵۰۰۱
الدوز	۱۰۲۲۲
توماج	۱۰۰۴
معصومه	۷۰۰۰
رفیق کارگر	۷۰۰۰
رفیق دانش آموز	۷۰۰
آ - ب	۹۵۰
ی	۲۲۰۰
توران	۲۰۰۰
ب	۲۰۳۲۲
ب	۵۲۹
مژگان	۵۰۰
با حافه نامه	۲۴۰۰
س	۵۱۰۰
غ	۳۰۰۰
ن	۱۰۰۵
ف ۲۴۰ (کوبین)	۱۲۱۲۰
الف	۶۱۴۵
د	۱۰۱۲۲
م	۵۲۲۲
توماج	۲۰۰۵
م	۲۰۰۵

شرايط نوین ، سازماندهی نوین

رهبری و فرماندهی میلیتاری و ارتش بوده - بی رایعده بگیرد. مسلماً مضمون - فعالیت بیشتر که ها در جنبش مقاومست خلق کرد چیزی جدا ازین وظایف نیست . نفوذ در نیروهای مسلح دولتی و - سازماندهی سازمان، درجه داران و افغان انقلابی آنقدر بدیهی است که لزومی بر تاکید بیشتر بر آن دیده نمیشود. ورزش منظم، فراگیری ورزش های رزمی، تهیه و تدارک سلاح و مواد منفجره، شناسا - شی دقیق منطقه، تقویت ارتباطات با نیروهای مسلح و غیره از جمله وظایفی است که کمیته های محل باید به آن بپردازند.

۶ - بدلیل عدم امکان برگزاری منظم جلسات و حویره های ترویج و محفل های مطالبات و کار ستوریک جمعی مشکل گذشته، باید ارگان مرکزی تقویت شود (تقویت هیئت تحریریه و سایر امکانات تکنیکی که باید اساساً در خدمت ارگان مرکزی قرار گیرد) تا بتواند عملاً به یک سازمانده و مروج نسبی کند. در این صورت باید اولاً: بسط و توسعه وظایف ارگان مرکزی توجه حاصل شود تا - مطالبه و بحث و کار ستوریک حول مسائل ارگان مرکزی سازمان باید باشد. آن مشکلات و مسائل جنبش که با بستنی توسط ارگان بدانها پاسخ داده شود به سرعت برای تحریریه ارگان مرکزی فرستاده شود تا هم بتواند ارگان با جنبش توده ای و نیا زهای بیشتران سازمان - دهندگان مبارزات توده ها قویتر و مستحکمتر شود و هم توان ستوریک اعطای تحریریه بیشتر در خدمت نیا زهای جنبش قرار گیرد.

۷ - محور فعالیت های کلیه کمیته های محل، حوزه ها و زیرحوزه های آنها و نیز تشکیل های هواداران تبلیغی مواضع سازمانی بصورت بخش و توزیع اعلامیه ها، تراکتها و... سازمان ها میشود. شعار نویسی که به بهترین وجهی حضور سیاسی سازمانها و نیروهای انقلابی را نشان میدهد از جمله وظایف حتمی آنهاست. بسیج کلیه نیروهای انقلابی و هوادار بسمت نیروهای رزمنده و بیشتر کارگران و زحمتکشان بقصدتأمین یک شبکه وسیع توزیع برای ارگان مرکزی سازمان بصورت یونان ثابت و طبقه - بی است که تصور میکنیم همگان عمیقاً بضرورت آن بی برده اند. بالاخره - سازماندهی مبارزات توده ها (اعتراضات و اعتصابات توده ها بویژه بر علیه دستگیری ها، زندانها و اعدامها) - عمده ترین روش مبارزه آنها باید باشد.





حمی حاکمت؟ حمی حاکرد؟ (۲)

تشدیدستم دوگانه "براقلیتهای مذهبی"

یکی از ممالی که آیت الله خمینی در مورد آن وعده‌های بسیار داد، تأمین آزادی و تضمین حقوق برابر اقلیتهای مذهبی بود.

اقلیتهای مذهبی اگر چه نه بتکلی کامل و فعال، اما بهر رو، در مبارزات - توده‌ها جهت سرنگونی رژیم منحوس شاه و در شکل گریقیی مبهمن ماه شرکت داشتند. در این جا مقصود بررسی علل عدم شرکت فعال اقلیتهای مذهبی در مبارزات - توده‌ها، که میتوان ریشه‌های آنرا در مسائل فرهنگی این اقلیتها، مالیات دراز سرکوبه تحقیر و جدا نمودن آنان از جامعه و وخت آنرا زیر پای حکومتی مبتنی بر مذهب (که مسلما "مذهب آنان نبود) جست، نیست. اما بهر صورت آنچه مهم است اینست که عدم شرکت فعال اقلیتهای مذهبی در مبارزات خلق به معنی عدم خواست زحمتکشان آنان در رابطه با ایجاد تغییر بنیادین رژیم حاکم نبوده است. توده‌های اقلیتهای مذهبی در رژیم شاه در عین تحمل استعمار و فاجعه سرمایه‌داری وابسته، در عین تحمل دیکتاتوری محمدرضا شاه و عدم وجود آزادیهای دموکراتیک، در عین تحمل با ریسک و فراقوی چیزهای دیگری نیز رنج میبردند. اقلیتهای مذهبی در رژیم شاه از داشتن آموزشگاهها و مدارس مخصوص خود از امکان تحصیل، چاپ و نشر کتب به زبان مخصوص خود، و از امکان دسترسی به برخی مسائل مثل غل از جمله مناصب بالائی مملکت تا حدود زیادی محروم بودند. و در همین رابطه نیز آقا در آن زمان خواهان ایجاد تغییراتی بنیادین در رژیم حاکم بودند. اما از سوی دیگر - تجارب عمیق تاریخی و ستم مذهبی و وحشیانه‌ای که از سوی رژیمهای مذهبی در طول قریباً هشتاد سال اقلیتهای مذهبی رفته بود باعث ترس آنان از برقراری رژیم "اسلامی" میگشت.

آیت الله خمینی که بدرستی از خواسته‌های اقلیتهای مذهبی در رابطه با بر خوردارای حقوق برابر اجتماعی با سایر شهروندان آگاه بود و همچنین وخت آنان را از برقراری رژیم مذهبی مبتنی بر اسلام میدانست قبل از قبضه قدرت حاکمه وعده‌های بسیاری به آنان داد تا بتواند از پشتیبانی آنان نیز برخوردار گردد.

آیت الله خمینی گفت: "تاما اقلیت‌ها می‌توانند در حکومت اسلامی مشارکت کنند و در عین حال حقوق خود را از دست ندهند. اما بهترین وجه محافظت کند" (مما حیه یا یونیا بندیرس ۱۷/۱۲ تا ۵۷/۱) و همچنین گفت "تانا (یعنی اقلیتهای مذهبی) هم مثل سایر مردم مسلمان ایران، ایران و محترم هستند" (مما حیه یا القومی العری) آیت الله خمینی بدین طریق به اقلیتهای مذهبی تنها وعده‌های بی‌پایان، بی‌پایان را خرد کرد و "حفاظت رژیم اسلامی از منافعشان را میدهد. آیت الله خمینی حتی با فراتر می‌رود و میگوید "اسلام بیشتر از هر دینی و بیشتر از هر مملکتی به اقلیتهای مذهبی آزادی داده است. آنان نیز باید از حقوق اقلیتها استفاده کنند. خودشان که خداوند برای همه انسانها قرار داده است بهره‌مند شوند، ما به بهترین وجه و ما را از آن نگهداری میکنیم" (روزنامه هلندی دولت گرات ۱۶/۱۶ تا ۵۷/۱) و در نهایت نیز میگوید "اقلیتهای مذهبی نه تنها آزادند، بلکه دولت موظف است از حقوق آنان دفاع کند و دیگر اینکه هر ایرانی حق دارد که مانند همه افراد از حقوق اجتماعی برخوردار باشد. مسلمان یا مسیحی، یهودی و یا مذهب دیگر

فرقی ندارد" (روزنامه آلمان فی دنیای سوم ۲۲/۱ تا ۵۷/۱)

بله! آیت الله خمینی در صورتی که بدرستی میدانست چگونه اسلام و حکومت اسلامی اقلیتهای مذهبی را بپذیرد - شهروندان درجه دو و محاسب می‌بودند و در نتیجه نه تنها حقوق برابر برای آنان قائل نیست، بلکه آنان را در حد بردگان محسوب میداد. اما برای جلب حمایت اقلیتهای مذهبی جهت کسب قدرت به فریب و تیرنگ متوسل شد. اما پس از کسب قدرت و پس از تکیه بر تخت حاکمیت، تمام این وعده‌ها نیز چون سایر وعده‌های خمینی به فراموشی سپرده شد.

در دو سال و نیم رژیم جمهوری اسلامی اقلیتهای مذهبی نه تنها حقوق هیچیک از وعده‌های خمینی و هیچیک از خواسته‌های خود را به چشم ندیدند، بلکه محاصره بیشترین فشارهای ممکن نیز گشتند. آموزشگاههای ویژه اقلیتهای مذهبی به تعداد محدودی که موجود بود، کثرت تعطیل شد. معلمان متدین به ادیانسی بغیر از اسلام (و حتی مذهب شیعه) به آنها تهنیت "متدین به هیچ مذهب قادر نیست رسالت آموزش و پرورش مکتبی را به پیش برد" اخراج و از برکنار شدند. نه تنها عدم امکان دسترسی به بسیاری از مشاغل و پستهای مملکتی برای اقلیتهای مذهبی در قانون اساسی ارتجاعی تثبیت شد، بلکه در مواردی مصوبات این قانن نیز بسیاری از موازات دولتی، وزارتخانه‌ها و حتی کارخانجات از استقرار اقلیت‌ها و مذهبی سر باز زدند. بدین طریق آیت الله خمینی که قبل از کسب قدرت وعده‌های بی‌پایان برای آزادی اقلیتهای مذهبی میداد در جمهوری اسلامی تمام وعده‌ها را به فراموشی سپرد.

آیت الله خمینی رژیم بنا کرد که قانن اساسی آن شهروندان را بر حسب مذهب آنها تقسیم میکند. اقلیتهای مذهبی نه تنها از سوی رژیم جمهوری اسلامی مورد "حفاظت" قرار نگرفتند حتی آزادی اجرای مراسم مذهبی آنان نیز محدود گشت بطوریکه در بسیاری از موارد با توسط سایر اقلام اجرا می‌گردد. آنان لوگویی به عمل آمد و با توسط او باش حزب جمهوری اسلامی در این مراسم اختلال ایجاد شده است.

کار در جمهوری اسلامی به جایی رسید که نه تنها علیرغم وعده‌های خمینی دیگر مسلمان و یهودی و مسیحی و سایر ممالی برابر بر محاسبانیا مدند، بلکه در لایحه ارتجاعی قصابی اقلیتهای مذهبی در حد بردگان محسوب شده اند بصورتیکه قتل آنان توسط یک فرد مسلمان فقط متوجوب پرداخت مبلغی پول به نام "دیه" یا پول خون است و شامل قصابی و مجازات نمیشود. بله لایحه قصابی که آیت الله خمینی آنرا شیلور استن اسلام میداند هموطنان اقلیتهای مذهبی را تا حدیک برده و یک "شهروند نیست" یا شین آورده است.

اما سران جمهوری اسلامی به اینهم بسنده نگردیدند و لوایح دیگری نیز در هر چه محدود تر کردن حقوق انسانی، اجتماعی و سیاسی اقلیتهای مذهبی تهیه شده اند. از جمله لایحه‌ای که به یک در یکی از کمیسیون‌های مجلس ارتجاعی مورد بررسی است و بقول برای تعیین حقوق اقلیتهای مذهبی تدوین گشته است. در این لایحه بعنوان مثال اقلیتهای مذهبی حق زندگی کردن در خانه‌ها و که در طبقه زیرین آن شخص مسلمان ساکن باشدند، بدین طریق طبیعی ترین حقوق یک انسان یعنی حق انتخاب

مسکن نیز از آنان سلب خواهد شد. ویسا در شرایطی که تشریح جامد مسلمانان ممنوع است تشریح اجساد اقلیتهای مذهبی بلا مانع می‌باشد. رژیم جمهوری اسلامی بدین طریق نه تنها برای اقلیتهای مذهبی حقوقی برابر با مسلمانان قائل نیست، بلکه تمامی حقوق انسانیت را نیز با اعمال کرده است و آیت الله - و اعمال ارتجاعی بدرستی ماهیت و چهره خود را نشان داده است. در مورد مالیات بر رژیم طرحی در دست تهیه دارد که بهشتی در سخنرانی خود درباره سیستم مالیاتی به آن اشاره نمود که در آن اقلیتهای مذهبی علاوه بر پرداخت مالیات مالیات‌ها با بده بر رژیم جمهوری اسلامی "جزیه" نیز بپردازند. "جزیه" هرگاه بخواهیم معنی کنیم باید گفت پولی است که اقلیتهای مذهبی فقط بدین جهت پرداختند که دین اسلام و مذهب شیعه مجبورند به رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی بپردازند تا حق نفس کشیدن در این کشور داشته باشند. تمامی این قوانین ضد خلقی تازه گوشه‌ای از "مواهی" است که آیت الله خمینی و رژیم جمهوری اسلامی برای اقلیتهای مذهبی به ارمان آوردند. از سوی دیگر در عمل فشارهای اجتماعی و تضیقات بسیار ریبه اقلیتهای مذهبی روا میگردد. بسیاری از حقوق اجتماعی آنان سلب شده و حتی در شهرستانها بنا بر فتوای بسیاری از آیهات مرتجع حق ورود به مسلمانان، حمام، میوه فروشی و بسیاری از اماکن عمومی دیگر از آنان سلب شده است. آیت الله خمینی که وعده‌های بی‌پایان و "حفاظت" و نگهداری از اقلیتهای مذهبی را میداد رژیم بنیادین ساخت که در آن اقلیتهای مذهبی در حدیک موجود "کشوف و تجسس" تنزل داده شده اند.

این ستمها و نا برابریها در جمهوری اسلامی به مرزهای بسیار گسترده رسیده است. از ماهیت سیاسی - مذهبی این جمهوری بر می‌خیزد. اقلیتهای مذهبی که تا قبل از قبضه قدرت مثل سایر مردم مسلمان ایران، ایران و محترم بودند و اسلام بیشتر از هر دینی و بیشتر از هر مملکتی به آنان آزادی داده بود تا بیک درصد بردگان و نجسها قلمداد شدند و تمامی حقوق اجتماعی و انسانی ایشان با اعمال

بهر روز رژیم جمهوری اسلامی در رابطه با اقلیتهای مذهبی بخوبی چهره‌گریه ضد خلقی و ضد انسانی خود را نشان داده است. توده‌های اقلیتهای مذهبی در رژیم جمهوری اسلامی علاوه بر استعمار و غارت وحشیانه سرمایه‌داری وابسته، مورد ستمهای بی‌پایان و بی‌پایان و برده‌داری قرار دارند و از این ستمها که به ستمهای بی‌پایان در رژیم می‌برده‌اند.

اما زحمتکشان اقلیتهای مذهبی با بیدار شدن و روشن فکران آنها با ستم این مساله را در بین توده‌های مسود تبلیغ نمایند که این ستمها نه ویژه جمهوری اسلامی، بلکه از ویژگیهای هر سیستم سرمایه‌داری وابسته و هر سیستم ارتجاعی است. توده‌های اقلیتهای مذهبی با بیدار شدن و روشن فکران آنها که به رهبری پرولتاریا و با اتحاد به نیروی لایزال خلق ایجاد کردند، تمامی ستمهای دوگانه (ستمهای که بخاطر داشتن مذهبی غیر از مذهب رسمی و دولتی بر آنان روا میگردد)، استعمار، غارت، تبعیضات و ستمهای بی‌پایان را به خود اختصاص دادند.



رژیم جمهوری اسلامی: گامی در جهت احیای پیمان سنتو

گرفت. این ساله زمانی روشن ترمیمی گردید که هاشمی رفسنجانی میگوید "با بد خلی موافقت با نیم آنچه که الان در افغانستان میگذرد رنگ خطر برای دو کشور است".

از سوی دیگر هاشمی بزده ساله دیگری نیز میگوید. او با وقاحت تمام به توجیه خریدهای کلان تسلیحات امپریالیستی توسط رژیم جمهوری اسلامی میپردازد و میگوید "در مورد خرید سلاح حساسیتی ندارد ریم هر که دشمن دارد باید قدرت دفاع داشته باشد. وقتی حرکتی سیاسی درست باشد صحبت این نیست که چه سلاحی در دست است. مسلم است آقا رفسنجانی و سایرین که فقط یک قلم چک ۲۰ میلیون تومان میبکنند یا بد هم نیست به خرید سلاح حساسیت داشته باشند میبینیم که هاشمی رفسنجانی با وقاحت تمام با مواجحتی قابل تحسین! او میگوید هدف وسیله را توجیه میکند. آنچه بهتر از این که هدف، نزدیکی به امپریالیسم است. که در این شرایط اشکالی ندارد و این نزدیکی نیز توسط سلاحهای امپریالیستی و سرمایه به ما میسر میسر است که شایسته نیز میسر است. اما دعا میگردیم هر یک بی پیمان بد در جهت خیر و صلاح مردم است در نتیجه اشکالی ندارد که تمامی ثروت ملی و دسترنج حکمشان را به جیب امپریالیسم سرازیر کنند زیرا نیتش خیر است!

هرگاه به توجیه داشته باشد که کرات هاشمی رفسنجانی با کارهای کستان و اظهار تمایل او به خرید تسلیحات، درست در زمانی صورت میگیرد که با کستان در حال مذاکره برای خرید هواپیماهای اف-۱۶ از آمریکا است آنکه روشن میگردد که سخنان هاشمی در حقیقت معنای جزئی در دادن یک چراغ سبز پررنگ به امپریالیسم ندارد.

بهر حال روشن است رژیم همانگونه که در داخل کشور سرعت هر چه تمام تر سرکوب عربان و وحشیانه راجا بگزین سیاست فریب و تحمیل نموده است بهمان صورت نیز دیگر کمترین و می به پرده پوشی روابط خود با امپریالیستها و دولتها دست نشانده آنها را میببیند. اگر تا بحال رژیم سعی میگردید که ریاضی نظمی خود با کستان، مشارکت های خود با کستان دولت ارتجاعی جهت تسلیم و کمک به ارتجاعیون افغانستان، تسلیم خلیا با ایران در این کشور (زیر نظر مستقیم آمریکا) و خرید تسلیحات نظمی از کتان با کستان را مخفی نگاهدارد دیگر میتوان انتظار داشت که این سیاستهای ضد خلقی را به شکلی بی پرده شروع و منتشر به پیش برد.

رژیم جمهوری اسلامی اینک بر اثر اذیت دادن سریع و روزافزون با یکا خود در میان توده ها به سرکوب عربیان و وحشیانه روی آورده است. رژیم اینک برده ها را به کتاریز و شمشیر از زربسته است. در همین رابطه نیز هر چند تا بحال سعی داشت بر روی روابط خود با امپریالیسم و نزدیکی با دول دست نشانده و کشورهای وابسته به امپریالیسم رنگ و لعاب بی ضد امپریالیستی بزند، اینک دیگر خود را چندان به این امر متباعد نمی بیند. اینک رژیم و قیقا نه تنها سعی می کند خودش خود را در جهت هر چه نزدیکتر شدن به امپریالیستها بکار گرفته و در این راه از افتخار و بهره گیری و ضد خلقی خود نیز بی مبدا بر آه نمی دهد.

از جمله نمونه های بارز این مساله ملاقات هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس و از سران حزب جمهوری اسلامی با کاردار سفارت پاکستان می باشد. که در روزنامه کیهان شنبه ۲۷ تیر ماه منعکس گشته است. هاشمی رفسنجانی در این ملاقات از بنکسوا اعزام یک هیئت بلندپایه به پاکستان را جهت مذاکره و دستگیری همکاران و دولت مورد تاخیر قرار داده و تا کنه میگوید "مادو کشور مسلمان و همسایه هستیم، باید با هم همکاری کنیم و در حل مشکلات منطقه کمک به مردم نزدیکان داشته باشیم" و همچنین معتقد است که هر چه تمام تر در "سطوح بالاتر" انجام گردد مشکلات و مسائل زودتر و سریع تر حل خواهد شد.

چهره کریه ضیا الحق کودتاچی، این دست نشانده آمریکا، سرکوبها و کتاریزها یوحشیانه اش، حکومت نظامی اعمال شده در پاکستان، اخصا ق و ترورهای کمپرسر این کشور و این مساله که اینک با کستان در منطقه از مهمترین پایگاههای آمریکا است، بیخوبی نشان میدهد که چگونه حکام ایران در سیاست خارجی خود بدنبال همکاری هر چه وسیعتر با امریالیسم و همچنین نزدیکی هر چه سریعتر به امپریالیسم اند. هرگاه نزدیکی سریع و روزافزون رژیم جمهوری اسلامی به کستان این پایگاه امپریالیسم را که نمودار خود را در همکاری با کستان و صمیمانه جهت تسلیم و کمک کردن و کمک مالی به مرتجعین و سفاقر و درگان "افغانی" با رژیم بد در نظر بگیریم و آنکه هاشمی رفسنجانی رژیم چگونه از سوی دیگر نمایندگان و جهت نزدیکی با کودتاچیان آمریکا پرورده، ترکیه نشان میدهد، آنکه به درستی می توان انتظار داشت که جمهوری اسلامی مستکرا حیا و پیمان ارتجاعی و ضد خلقی سنتودر منطقه گردید که مسلمانان "بنا بر رژیم پوش" "خطرات افغانستان در منطقه" و لزوم "اتحاد رژیمهای مسلمان" شکل خواهد

حمایت از ایرلند فریبی دیگر

ها یوهوی تبلیغاتی رژیم کوش فلک را کرده است. و یکی از صدا های ناهنجار و بیوع بزرگ تبلیغاتی جمهوری اسلامی حمایت از مبارزات خلق ایرلندی است. رژیم بدروغ سنگ مبارزین ایرلندی را بسینه میزند، قلم مبارزات آنها را پخش میکند و فحش و ناسزا را انگلیس می تابد. رژیم سعی دارد دعوا مفریانه خود را ضد امپریالیست و حامی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقها جا بزند، اما این سیاستها جدا قیل برای توده ها و خلق در ایران که سیاستهای سرکوبگرانه و ضد خلقی رژیم را با گوشت و پوست خود نمس می کنند، نمیتوانند بیجز افتخار بیش از پیش چهره فریبکارانه سازمان رژیم چیزی به ارمان آورده. مضحک است که رژیم جمهوری اسلامی پوزدا امپریالیستی و حمایت از مبارزات خلق ایرلند را میگیرد و از سوی دیگر قرار داد امپریالیست رددلاری تالیوت را با همان امپریالیسم خونخوار انگلیس امضاء میکند. قرار دادی که خود گام قابل توجهی در جهت جلوگیری از ورشکستگی کمپانی های امپریالیستی است.

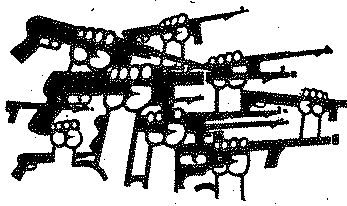
رژیم از سوی دروسای حقیق و زندانان سیاسی در ایرلند قریب دسر میدهد و از مبارزات آنان تمجید میکند و از سوی دیگر خود در ایران نه تنها انقدر جوانان مبارز، کارگران رزمنده و نیروهای انقلابی را به بند کشیده که زندانهای شاهنشاهی برایش کفایتی میدهد و مجبور است از دیومها را به زندان بدل سازد، بلکه کوچکترین حقوقی نیز برای زندانیان سیاسی قائل نیست و این همان حقوقی است که مبارزین ایرلندی جهت کسب آن مبارزه ای تا پای جان را به پیش می برند. رژیم زندانیان سیاسی را دسته دسته در دادگاههای در بسته و چند دقیقه ای محاکمه میکند و به جوخهای اعدام می سپارد. رژیم کسه در فیلمهای تبلیغاتی خود بر علیه تکنجه در زندانهای ایرلند داخمن میدهد خود شکنجه را به شدیدترین و وحشیانه ترین صورت آن در زندانها، در خانه های امن در کمپته ها و پاساژها و خانه های وحشی در کوچه و خیابان بر علیه مبارزین و انقلابیون بکار می برد.

رژیمی بر ضد نیروهای وحشیانه ارتش انگلیس به خلق مبارز ایرلندی، فریاد برداشته است که خود توسط نیروهای سرکوبگرش با سرخ رندی اعتراضی را با گلوله میزد، کارگران و زحمتکشان را - کشتار میکند، تظاهرات مسالمت آمیز را بخون می کشد، باندهای سیاسی به وحشیانه ترین شکلی به توده های انقلابی و مبارزین می برد، مردم حتی در خانه ها با شتاب اذیت نیروهای سرکوبگر رژیم در مان نیستند، خانه گردی و تفتیش بدنی جزو اعمال روزمره رژیم در آمده است.

رژیمی از مبارزات رنگین پستان در انگلیس حمایت میکند که خود حق هرگونه اعتصاب، تظاهرات و اعتراضی را از توده های خلق سلب کرده است. تمامی نیروهای انقلابی را به محاسن توقیف گشاده و هرگونه مبارزه انقلابی را بندت سرکوب می کند. با پدید آمدن مگر غیر از اینست که زحمتکشان رنگین پوست انگلستان بر علیه فقر، گرانویبیگاری بیچاره ها و رژیم جمهوری اسلامی که بدروغ پز حمایت

برده امپریالیسم را در آغوش کشیده است. رژیم که مینای سیاست خارجی خود را بر دروغ و تروریسم و فریبی نهاده است، رژیم که بر ضد پیمان و حشیانه لیمن بدست صیبه نیستها به تبلیغاتی کرکننده میپردازد اما خود را با بدی بسیار وسیعتر و وحشیانه تر بیش از دوسال است که کردستان قهرمان را میبازد میکند. بهر صورت همانگونه که توده های خلق ایران که تا هدر سرکوبگریها و کشتارها اعدا می، شکنجه ها و برقراری اخصا ق و سانسور در ایرانند دیگر فریب ایست تبلیغاتی و دروغ پرده از زبان نمی خورند. مسلم است که بازتاب خارجی اعمال وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی چهره واقعی آنرا به تمامی خلقهای جهان نیز خواهد نشان داد.

از این مبارزات را گرفته است خود عامل وجود فقر روزافزون، گرانویبیگاری، سرکوبگری و درازمدتی در ایران است. مگر غرض از اینست که توده های ایرلندی بر علیه سلطه امپریالیسم بیچاره خانه ها و دور در راه آزادی مبارزه می کنند رژیم جمهوری اسلامی که بدروغ از مبارزات ایرلندیها دفاع میکند خود عامل تشدید وابستگی روزافزون به امپریالیسم، عامل عقد قراردادها با ارتش، عامل خرید سرما و تسلیحات امپریالیستی است. رژیم عامل سرکوب زندان و اعدام های وحشیانه در ایران است. و این تنها گوشه ای بسیار کوچک از چهره کریه سرکوبگر و ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی است. رژیم که در یوهوی تبلیغاتی اش سر ضد امپریالیسم فریاد میزند اما در پس



توطئه‌های صهیونیست‌ها، امپریالیست‌ها و ارتجاع عرب در نابودی جنبش فلسطین محکوم به شکست است

بقیه از صفحه ۱

سلاح فلسطینی‌ها است دست یا بد، و از سوی دیگر تلاش اینست که ما کنبین زحمتکش این تواجی را مجبور به ترک خانه‌های - خویش بنمایند تا بدین وسیله خلق فلسطین را از متحدین و حامیان لبنان نیش محروم کنند.

حملات وحشیانه اخیر که به بهانه استفرار موشک‌های سوری در خاک لبنان انجام گرفت و ادعای اینکه وجود این موشکها تهدیدی برای "امنیت اسرائیل" است، در واقع اقدام جناح راستکارانه است که هم‌اکنون با سیاست نوین نظام میکسری امپریالیست در منطقه و با تأیید ارتجاع عرب جهت سرکوب انقلاب فلسطین، جنبش مترقی چپ لبنان و تضعیف نیروهای انقلابی در منطقه عربی طرح‌ریزی شده است. زیرا بر هیچکس پوشیده نیست که خاورمیانه برای امپریالیسم آمریکا بدلیل منابع سرشار نفت و بازرگانی و تسلیحات از اهمیت خاصی برخوردار بوده و بنا بر این حفظ کنترل برای منطقه دارای اولویت قابل توجهی می‌باشد. هر چند دولت آمریکا با صدور بیانه‌ای از جمله اسرائیل به جنوب لبنان "ظهار تا سفکرد و خواستار برقراری آتش بس در منطقه شد ولی این حرکات دیپلماتیک نمیتواند مردم جهان را بفریبند. زیرا مردم جهان می‌بینند از یکطرف دولت آمریکا "ظهار تا سفکند و از طرف دیگر هواپیماهای اف-۱۶ برای رژیم صهیونیستی تل آویوارسال میدارد. روزنامه واشنگتن پست نوشت: "دولت ریگان تصمیم گرفته است هفتاد و هفت (۱۶) فروند جنگنده اف-۱۶ (و از جمله چهار فروند جنگنده راکتارسان آن پس از حمله اسرائیل به نیروگاه هسته‌ای عراق در ماه گذشته متوقف شده بود) را به رژیم اسرائیل تحویل دهد. "چه چیز گویا تر از این اقدام میتواند نشان دهد که نسبت به حمله اسرائیل نشان دهد؟" واقفیت اینست که رابطه دولت اسرائیل و آمریکا را به رابطه خادوم و مخدوم است و چنانچه اختلافی نیز بین این دو بروز کند صرفاً "در حین مسایل تاکتیکی و احیاناً "تأیید فراماسی خادم ز مخدوم خواهد بود.

اما علت وضع بحرانی کنونی در لبنان را باید یکی در سیاست ضعیف کردن نیروهای رزمی فلسطین که در ماههای اخیر از قدرت و نسجم و یکپارچگی بیشتری برخوردار بوده‌اند است و دیگری تلاشی است که در جهت اجرای مرحله دوم فرار داد کیمب دیوید صورت می‌گیرد. هدف اینست که با اعمال فشار به فلسطینیها در لبنان و سلب اراده و انگیزه آنها از مبارزه با یسندگان فلسطینی و تلاش در جهت خلع سلاح فلسطینیها، سازمان آزادیبخش فلسطین را وادار کنند در راه حمله‌های سازمانده امپریالیست‌ها، صهیونیست‌ها و ارتجاع عرب را بپذیرند. این "راه حله" عبارتست از قبول فرار داد کیمب دیوید، طرح خود مختاری فلسطینیها در ساحل غربی رود اردن و شناسایی اسرائیل، از جانب

فلسطینیها. این "راه حله" در عین حال در ارتباط با برنامه مدبرانه امپریالیسم آمریکا است که سعی دارد حضور مستقیم نظامی خود را در منطقه خاورمیانه در ارتباط با زنجیره با یکدیگرها پیش در اطراف اقیانوس هند (عمان، سومالی، کنیا و بنگو کازیا) هم‌اکنون سازد. تشکیل نیروی - چند ملیتی با همکاری دولت مصر و اسرائیل و پشتیبانی دولتهای متجمع عرب در همین رابطه صورت گرفته است. این نیرو که قرار است در صحرای سینا استقرار یابد، از ۳۰۰ نفر منجمله هشتصد (۸۰۰) آمریکایی تشکیل شده و هزینه آن معادل ۱۰۰ میلیون دلار در سال خواهد بود. دولتهای ارتجاعی عرب، ضمن نكوش ظاهری حملات رژیم صهیونیستی و دفاع عوامقربیانها از مردم لبنان و - انقلاب فلسطین، در واقع تأکیدکننده سیاستهای تاج و زرگرا نه صهیونیست‌ها و امپریالیست‌ها هستند. کنفرانسهای - اسلامی که چندینبار در مکه و طائف برگزار شد جولانگه‌های بود برای ما نورهای ارتجاع عرب، نیروهای ارتجاعی عرب همهمه کوششان این بود که تحت پوشش اسلام و عربیت همسنگی "رسمی" عرب را باز - سازی کنند. قطعنامه‌های صادره از سوی این کنفرانسها تماماً "بیانگر این حقیقت است که ارتجاع عرب اعتقادی به مبارزه قاطعانه علیه اسرائیل نداشته و تنها حاضر است در حد مبارزه اقتصاری و دیپلماتیک اقداماتی انجام دهد. از سوی دیگر سخنان الیاس سرکیس در کنفرانس، خود چراغ سبزی بود برای - حملات گسترده علیه جنبش مقاومت فلسطین در لبنان. زیرا در مقابل قدرت گرفتن فلسطینیها نه دولت لبنان قادر به مقابله با آنهاست و نه فائلازیست‌ها از اینرو از دید منافع سرما پیداری لبنان، اسرائیل - نیروئی است که میتواند این نقش سر - کوب را بازی کند. بی‌شک نیست که سعی بینیم سرکیس گستاخانه در مورد "خطرس" حضور فلسطینیها در لبنان سخن گفته و در توضیح وضع لبنان، نقش خائسانه سعد حداد را در همکار با اسرائیل لاپوشانی میکند. او حتی به اسرائیل که خطروا قعی برای استقلال و حاکمیت لبنان است اشاره ای نکرده و از سخن گفتن درباره اینکه چریکهای فلسطینی و سازمان انقلابی لبنان هستند که در مقابل تاج و زرات اسرائیل و سعد حداد ایستادگی می‌کنند، طفره رفت.

خصوصاً "نیروهای انقلابی در درون سازمان آزادیبخش فلسطین و اردمیشود. با آنکه سیاستهای ارتجاعی دولت‌های مرتجع عربی آنچنان عیان گشته که دیگر جای تردید در ماهیت آنها باقی نمانده، لیکن جناح‌های سازشکار در درون جنبش فلسطین همچنان به سیاست‌های سازشکارانه و کشتن مبارزات - خلق فلسطین به سطح دوپسندهای سیاسی ادامه میدهند و هنوز همچنان امیدوارند که از دولتهای ارتجاعی عرب یاری - گیرند. سیاستی که امروز خواستار تشکیل اجلاس زسران کشورهای عرب به منظور رسیدگی به بحران لبنان و تدوین یک طرح دفاعی مشترک در مقابل نازیسم - (رژیم اشغالگر) و حملات کابوی نشانده آمریکا شیا" می‌کند و اعلام میدارد که در غیر این صورت "این درگیریها می‌تواند به جانی رسد که بسیاری از برنامه‌ها و روشها تغییر یابد". "دقیقاً" برپایه همان سیاست سازش طلبانه جناح راست درون جنبش فلسطین است. جناحی که زمانی از فعالیت مجدد کمیته مشترک اردن و سازمان آزادیبخش استقبال می‌کرد. * * * اتخاذ چنین سیاستی در واقع مشروعیت بخشیدن و آب تویسه ریختن بر رژیم‌های ضد خلقی و مرتجع منطقه است که خود مانع مهمی در برابر تا مین حقوق خلق فلسطین هستند. در حالیکه هنوز خا طره شوم کشتار رسیده مسیر سیاه که توسط رژیم دست نشانده اردن به کمک سایر دولتهای مرتجع عرب علیه انقلابیون فلسطینی از بدترفته سازشکاران، با از همکار با سران کشورهای مرتجع منطقه در راه حلهای سیاسی سخن می‌گویند.

سراجم پس از دو هفته جنگ و درگیری روز جمعه گذشته آتش بس برقرار گردید. هر چند این آتش بس بدرگیری کنونی خاتمه داده و سازمان آزادیبخش فلسطین هم قول داده است آنرا مختصرم بشمارد. ولی تا وقتی که دولت صهیونیستی اسرائیل از مناطق اشغالی جنوب لبنان عقب نشینی نکرده و سرگرد مزدور سعد حداد به اقدامات توطئه‌گرانه اش با حمایت اسرائیل و فائلازیست‌های لبنان ادامه میدهد، این آتش بس تنها میتواند برای مدتی کوتاه حفظ شده و نیروهای فلسطینی و نیروهای انقلابی در لبنان نمیتوانند چنین آتش بسی را که بمعنی قبول تسلط اسرائیل است بپذیرند.

امروز خلقهای عرب و انقلابیون - فلسطینی علی‌رغم هیران سازشکار و مرتجع خود در یافته‌اند که شکست برنامه‌های صهیونیستی - امپریالیستی، تنها در همکار هر چه نزدیکتر و موثرتر نیروهای مترقی در لبنان و انقلابیون فلسطینی و با انکاء به جنبش توده‌ای خلقهای تحت ستم عرب و سایر خلقهای جهان نهفته است.

* یا سرعفات * * * هاشی الحسن * * * خالد حسن

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و یا نگاه داخلیش



توضیح

این بخش از مطلب مربوط به بررسی و تحلیل از جنبش کارگری در سال گذشته می‌باشد قبل از چاپ مطلب به کار ۱۹۹۰ و جمع بندی نهایی چاپ می‌شد که متأسفانه به چاپ نرسیده و در این شماره چاپ می‌شود.

خرید اسلحه از اسرائیل

در هفته گذشته یک هواپیمای آریائتی که اسلحه و لوازم دیدکی برای ایران حمل میکرد در منطقه ارمنستان شوروی سقوط کرده است. رادیه‌های خارجی محموله فوق را با تخم ۱۵ میلیون لیره تسلیحات و لوازم دیدکی خریداری شده از اسرائیل اعلام کردند. و را از مسکو نیز گرفتند که هواپیمای فوق بدلیل مانورهای خطرناک تصادف کرده است.

از سوی دیگر بهزاد نسیمی در مصاحبه هفته گذشته خود در ریاسخبرنگاری مبنی بر خرید اسلحه از اسرائیل گفت: "ما مهربان نیستیم و صیونست‌ها را نظر به جاهای نیز نمی‌دارند که موضع جمهوری اسلامی را لوث کرده، ما را طرفدار غریب نشان دهند، بطوریکه مثلاً را دیو اسرائیل عنوان می‌کنند که ما از طریق واسطه‌ها از اسرائیل اسلحه خریداری کرده ایم و -

غیره در حالیکه اگر واقعاً ما با اسرائیل رابطه داشتیم و یا چنین معامله‌ای با اسرائیل صورت گرفته بود، هیچوقت خودش آنرا مطرح نمی‌کرد می‌گذاشت دیگران مطرح کنند." (کمپین سه شنبه ۳۰ تیر)

تکذیب این خبر و دنبال سقوط هواپیمای آریائتی حا مل اسلحه گویای واقعیتی است که نحوی ارتباط این دو مسئله را با زگو می‌کند. اما رژیم جمهوری اسلامی تلاش دارد کلبه قرار داده‌ای - تسلیحاتی را از رژیم مردم‌پسندان نگهدارد چرا که اینگونه قرار داده‌ها که عمدتاً "بنا" می‌ریزید و صیونست‌ها می‌باشد، - پوشالی بودن شعارها و ضد صیونستی و خدا مهربانی رژیم را عیان خواهد ساخت و بیش از پیش عوام فریبی‌های رژیم را برملا خواهد نمود.

از اردیبهشت سال پیش همراه با تهاجم کلی ضد انقلاب در سطح جامعه، شوراها نیز مورد یورش قرار می‌گیرند. بورژوازی طی این یورش خود موفقی گزیده اغلب اتحاد انقلابی شوراها را سرکوب و منحل کرده و اگر در رشته‌ها شی چون نفت یا صنایع دفاع، اتحاد شوراها توانست با برجا بماند، زده‌مانه عملکورد انقلابیشان کاسته می‌آید. "بسیه" شوراها ی زرد و فرمایشی بدل گشتند. بسیاری منحل، تعدادی زرد و بقیه بدلیل فشار سرکوب و اختناق بورژوازی پنداشتن پشتوانه‌ای چون "اتحاد شوراها" عملاً نتوان گشتند.

با این وجود بعلمت عدم تشبیت و پیروزی کامل ضد انقلاب شوراها همچنان به حرکتشان ادامه دادند. وجود بحران اقتصادی، هرج و مرج سازمان اقتصادی و سازمان‌های آذاری و زمینه وجود قدرت دوگانه اقتصادی در کارخانجات خود بخشی اساسی از مبارزات کارگران و شوراها و واقعی راه‌های داشت. چنانکه در همین رابطه مبارزه کارگران و شوراها برای کنترل کارگری بمفهوم عام، ادامه و تشدید شد. تا جاییکه در مواردی و نه بطور گسترده کارگران خودگنشتند. کارخانه‌ها را در دست گرفتند. اگر چه این امر در کارگران از اینک بدست آورین شرایط زندگی بهتر تحت شیوه‌های مدیریت و نظم بورژوازی غیر ممکن است را نشان می‌دهد، و از جنبه دیگری به روی کارگران با دولت سرمد به‌درا می‌انجامد اما بدلیل وابستگی صنایع ایران از نظر مواد اولیه، تکنولوژی و غیره و مشکلات و موانعی که سرمایه‌داران و دولتشان در امر تولید و توزیع از سوی و سازماندهی نا کافی، فقدان تجربه و تشکیلات قدرتمند و پرتوی از سوی دیگر مبارزات کارگران در این عرصه در وجه غالب به شکست و عقب نشینی تسوده - کارگران منجر شد. اما با این همه وجود تشدید بحران، تناسب قوا، نتوانسی مدیریت و نظم بورژوازی حرکت کارگران را برای دخالت و نظارت در امر تولید کما ملأ" سبب گشت و بطور کلی زمینه عینی کنترل تولید کما ملأ" مهیا بوده و هست.

یکی از ویژگیهای حرکت شوراها در دوره پیش و پس از سرکوب و حثیا نه رژیم جمهوری اسلامی، عقب مانستندن شوراها از حرکت کارگران میباشند. بدین ترتیب مشاهده می‌کنیم که در دور پیش و بخصوص با او جگیری مبارزات تشویه کارگران، مبارزه زندتوان و رهبری شوراها و انقلابی نیز گذر کرده و آنها قادر به رهبری و هدایت مبارزات و پاسخگویی به نیازهای مبارزاتی کارگران نیستند. عمده ترین دلیل این امر از یکسور نبود پیشوانه قدرتمندی همچون اتحاد شوراها و از سوی دیگر توطئه‌های گوناگون حاکمیت میباشند.

اما در یکسال گذشته مبارزه کارگران نیز در برابر بورژوازی برای حفظ و تشکیل شوراها جریان داشت و همچنان شوراها به شکل عمده پرولتاریا به شمار می‌رفتند. در مبارزه برای هر خواست صنفی مسئله تشکیل شورا برای کارگران مطرح گردید. مخصوصاً از دیماه با اینطرف با او جگیری

پیشمرگان فدائی و دموکرات پایگاه رژیم را درهم کوبیدند

انتقام گذشته اند. اذیت و آزارها ساداران در مدت ما در زمان چندبرابر شده است و تا بحال بیش از صد نفر تظا هر یک روزم خوری شای خورده اند. پیرمرد ۷۰ ساله را در آنظار مردم سیلی زده اند که با عت خشم مردم اعتراض آنها گردید. سیگازها را با دست و گردن شخامی که سیگار رسمی کشند خا موش می‌کنند، با ساران داخل در حال با زسی مردم اندوختی داخل مغازه‌ها را نگاه می‌کنند و با راه داخل مغازه‌ها یورش برده اند، بطوریکه گهانی به ادا رات سر می‌زنند تا کارمندی را در حال سیگار کشیدن پیدا کنند.

ارسطوستاندا رهبر، با رها ازادی و تلویزیون در این مورد موارد دیگر مردم را تهدید کرده است و از کم توجهی مردم و نرفتن آنها به مجالس ختم و... اظهار ناراحتی کرده است. (۵۰٪ کارمندان) با توجه به مکان اخراج، زرفتن به چنین مجالس خودداری می‌کنند. در دو هفته گذشته ۱۵۰۰ پیشمرگان قهرمان به سنده خضربه زده اند که بعد از هر ضربه تمام جوانهای محل ضربه را چند روزی زداشت کرده اند. یکبار کومله، سه بار دموکرات وفدائی (که شرح آن جدا گانه آمده است) مشترکاً به شهرومپب بنزین ضربه زده اند.

در تاریخ ۲۷/۴/۶۰ هنگام مشطی یک عمل مشترک توسط پیشمرگان فدائی و دموکرات پایگاه به بمب بنزین واقع در ۵ کیلومتری سنده در محور سنده چکرمان شاه با سلاحهای آر پی - جی، نارنجک انداز و سلاح سبک درهم کوبیده شد در این درگیری که بعد از ساعت بظول اتجا میدیش از ۴ نفر از ساداران رژیم کشته و زخمی شدند. نیروهای سرکوبگر رژیم در این پایگاه به مزارع و ساحتها یا طرف با توپ و خمپاره شلیک می‌کردند و تعدادی خرم را به آتش کشیدند. صبح روز بعد اجساد رشتیان و پیا ساران توسط هلپ کوپتر به قوه منتقل شد. در این درگیری به پیشمرگان هیچگونه آسیبی وارد نیاد و پیشمرگان سالم به پایگاه خود بازگشتند.

امسال بیش از ۹۰٪ دانش آموزان سنده چکرمان و سنده شده اند. بطوریکه از هر کلاس تعدادی قبول شدگان به هفر نمی‌رسد. تمام ناظرین امتحان نیا ساداران بودند و مبدی کوچکترین حرکتی از جانب دانش آموزان (حتی سر بلند کردن) اساسی آنها را یادداشت کرده و مردمود نموده اند، بطوریکه مردماسم امتحان را

عمومی و مبارزه برای آن در اغلب کارخانجات بشکلی فعال جریان داشت. مسئله تشکیل شوراها و انقلابی شرایط نمایندگان شورا و بحث درباره جریانهای سیاسی موجود در کارخانه و مواضع آنها و مسئله تجدید انتخابات بیش از گذشته موضوع بحث کارگران واقع گردید. تنها در کارخانه تراش بیگ کارگران در سال گذشته شش بار انتخابات جدید برگزار کرده و شوراها جدید تشکیل دادند.

بدینسان اگر چه حاکمیت از کلیه وسائل و ارگانهای متفاوت از فریب تا سرکوب، از ساداران تا وزارت کار و غیره همچنان برای یورش و انحلال شوراها و انقلابی و جلوگیری از تشکیل اینگونه شوراها استفاده خواهد کرد. اما بدون شک مبارزه برای شورا در شرایط فعلی همچنان یکی از محورهای جنبش کارگری بوده و همراه با ارتقاء این جنبش و تغییر در تمام سبب قوا این امر جامعه عمل خواهد پوشید.

و گسترش مبارزات طبقه کارگر، تشکیل شورا بیش از پیش از سوی توده کارگران پیگیری شد. خواست عمومی طبقه سون سود ویژه بستمناسی برای حرکت هر چند خودانگیخته و غیر هدفمند تعدادی از شوراها برای ارتباط با یکدیگر گردید. درک توده کارگران از شکل مستقیم و سازمان یافته بوسیله خودشان ارتقاء یافت. در همین رابطه انجمنهای اسلامی در دوره پیش اساساً - بعنوان یک شکل کارگری از سوی آنان بحساب نمی‌آیند "کانون همگنی شوراها و اسلامی" و "کانون شوراها" که بوسیله مایه حاکمیت سازمان یافته اند، با وجودیکه تعدادی از شوراها را در بر می‌گیرند، لیکن در رابطه با همین درک، توده کارگران بدانها بی اعتنا بوده و توجهشان را بر زمین می‌انگیزد. مسئله ارتباط توده کارگران با شوراها یکی دیگر از مسائل کارگران در این دوره است و بدین سبب تشکیل مجامع

نتایج انتخابات وبی آمدهای آن

بقیه از صفحه ۲

اینبار رنجی چون انتخابات میان دوره‌ای با عدم حضور فعال و گسترده خودپسای صندوقهای رژیم - که در مقابل همه - انتخابات ریاست جمهوری گذشته و مجلس شورا بسیار چشمگیر بود - آنجا را خود را از حزب رستاخیزی جدید و از رژیم سرکوب به نمایش نهاده اند. توده‌ها بدرستی نشان دادند که دیگر آلت دست و ملامت نخواهند شد، و تن به انتخابات ساختگی نخواهند داد. بخوبی نشان دادند که رژیم و تمامی نهادها بیش از به رسمیت شمایلنا سندن.

اما بخشی از مردم نیز، هر چند غیر قابل قیاس با انتخابات قبلی ریاست جمهوری و مجلس - بیای صندوقهای رای رفتند.

در اس این بخش از مردم و بعنوان ثابت قدترین عناصر آن میتوان از ضما رژیم، چون پاسداران، بسیجی‌ها و سایر چهره‌ها خوانان رژیم - مسلما - به همراه آن‌ها توده‌ها و همچنین تشار هوادار حزب جمهوری اسلامی و تنه خورده - بورژوازی سنتی شهروده که هنوز بدنیال رژیم روانند تا میبرد. در این میان گذشته از مزدوران رژیم، اقشار روستایی که به علت ذهنیت عقب مانده، توهما تریشه‌ها ر مذهبی و ایستایی فرهنگ فئودالی‌ها کم بر آنان و به میزان وسیعی توده‌های گراگرو و حاکم شاهی عقب مانده اند. نسبت قابل توجهی را در ترکیب رای دهندگان تشکیل میدهند. بیش از هر چیز هر چه فتنای آفات عظام "کا را با بود و باز هم این زنجیر مذهب بود که تا آنگاه هنرین و عقب مانده ترین اقشار را علیه رژیم شتا رهاقت فرمای زندگی، سرکوبها، کشتارها، و ممالک جنگ به امید "شواب آخروی" و از وحشت غذا ب‌الیم" به پای صندوقها کشتا شد. اکثریتی‌های راست و توده‌های خاش نیز علیه رژیم توری خری که از رژیم خود رند و منتظرالوگاله‌ها یثا حذاف شدند با هم چون سگای نوفا در مردند تا چیزی بر آراء رژیم افزودند. شایعه و جو ارباب ایجاد شده از سوی رژیم نیز تا حدی کار سازا فساد، در میان طیفی که بر اکثر و حجت و فقط بخاطر مهر خوردن شنا سنا به پای صندوق رفتند اکثریت با کارمندان دولت بود - که از وحشت اینک آنرا ن - خوردن نیفتند" با آگراه بسیار به پای صندوقها رفتند. هر چند که در صدنا چیزی - از کارگران نیز به هم خاطر آرای دادند.

اما در صد کمی از لیبرالها را نیز میتوان به این طیف افزود. اما بهر و مردم او از جمله آنان که از ترس خراچ و حذر شعری و عواقب نامعلومش به پای صندوقها رفتند، شیوه‌ای خاص خود را ارائه دادند و بهر طریق آنجا را خود را از رژیم سرکوب و تروری نمایش نهادند - آنجا ختن برگ‌های سفید، تمسخر رژیم، نوشتن ناسزا، رای دادن به "امام زمان" و "خدا" و ...

شیوه‌هایی بود که این طیف بکار بستند و رژیم را آدا شدند در آراء ساختگی اعلام شده نیز در صدن لایه را به اطل و متفرقه اختصاص دهد" با طلبا و متفرقه‌ها رای بیشتری از کار دیدای منفور حزبی عسکرا ولادی - و حتی پرورش کسب کردند.

از سوی دیگر رژیم در بسیار آرا ماکن که میتوانست با زور تهدید، فرمان و امریه و سر نیز به شکل عریای اخذ رای - جباری را به پیش برد و از جمله بودند پا دگانها، جبهه‌ها و برخی روستاها.

ارتشیان، سرپا زانودر جبهه‌ها را ن کاتسا امروز به گفته خمینی حق دخالت در سیاست را ندا شدند در اینجا که پای رای پیش آمد با زور سر نیز به پای صندوقها برده شدند. فرما ستاد مشترک مبنی بر اینکه دستور شعری خمینی - یعنی دستور مستقیم فرما نده کل قوا - لازما لاجراست، خود را پیش بیانگر توسل رژیم به سر نیزه و تهدید عریان بود.

اما تمامی این حیلها، تهدیدها و ارباب نیز کار ساز واقعی نبود. عنیات آنچنان ملموس و خوردکننده اند که به تهدید و ارباب تسلیم نمی‌گردند، فقر، گران، بیگاری و آراگی، سرکوب، کشتار، دستگیری و اخراج و دست آخرا عمدا - های فاشیستی رژیم کشتار کودگان کم سن و سال و بیگولگی بستن زنان حامله، زخمی‌ها و بیما ران هرگاه تا شیری بجزز این برده‌نیت و حرکت توده‌ها مینها د - عجیب و غیر قابل قبول بود. اینبار نیز رژیم چون انتخابات میان دوره‌ای طعم خشم و کین توده‌ها و ضربه عمدا غمنا د - آنان را چشید.

دیگر صحنه‌ها تکراری است، بوغ و کراتی رژیم، "پیروزی بزرگ" خراچیدن مفتضا نه رجا ثی ز صندوق، خوش آمدگویی چندش آور مجلس به "اتلاف بزرگ" و همه اینها به خرج ملت و از کیسه "امت". اما چه باک که اینبار به شکل وسیع توده‌ها در - عطش شکست را تجربه کردند، توده‌هایی که در انتخابات قبلی خود را غمنا در صف می ایستادند - در صندوقهای رای مبتنی بر توهم خویش را در صندوقها بیندا زند، اینبار دیدند که از صف‌های طولانی خبری نیست. اینبار دیدند که انتخابات زندگی عادی را چندان هم تحت الشعاع قرار ندها است هر چند که رژیم کوشید با سنگربندی شهرها وضع را غیر عادی جلوه دهد، اینبار توده‌ها در عمل - دریا رفتند آرای که از صندوق بیرون می آید آراء آنان نیست، و بعینه دیدند که رژیم با تمامی های و هوای، با تمامی رجز خوانی تا چه حد ترسان تا چه حد وحشزده و تا چه حد زبون است. توده‌ها در پیش با ریکاردها، خیا بان بندها و سنگرهای رژیم صورت هراسان و رنگ پریده آورا - دیدند. توده‌ها در عمل انتخابات را تحریم کردند.

حال بگذرا رژیم که شکست مفتضا نه خود را بیگاری دیگر تجربه کرد از سراسر استیصال هو قدر که میخواهد دروغهای تبلیغاتی سنی بهمیسا قد، بگذرا رتا مینوا تودو قبا نسه دروغ بگوید، بگذرا آراء "میلیونی" از - صندوقها بیرون بکشد، حتی بیستش از انتخابات گذشته، بگذرا رتا مینوا سید تقلب کند و سخن از "صورتا تده همیشه بخار در صحنه" براندوز... علیه رژیم تمام این تلاشها و تدبیرها نه رژیم در انتخابات عملا "شکست" است، این شکست رژیم حشی برای توده‌ها یسا آگاه، نیز آنچنان روشن است که وقتی رژیم صحبت از شرکت گسترده مردم در انتخابات اخیر نیست به دوره - قبل می‌کند، مردم بین دروغهای شاد خدار می‌خندند، زیرا هیچکس صف‌های طولانی دوره گذشته را که بهیچوجه قابل قیاس با دوره اخیر نبود فراموش نکرده است حتی یک تحلیل گرسای نیز کسه خود مستقیما "در صحنه حضور ندا شته با ند، بخوبی مینوا ندشکست رژیم آراء قلابی را نتیجه گیری کند. در این مسئله کمترین تردیدی نیست که رژیم جمهوری اسلامی در طول دو سال و نیم حیات خود جز فقر و نکبت شمراهی ندا شته است. توده‌ها با گوست و پوست خود طعم سیاستهای ارتجاعی عسی آنرا چشیده اند و توهمان نسبت به حکومت و خمینی سمیران عظیمی فسرو ریخته است. توده‌ها طی این مدت نه تنها بهیچیک از خواسته‌های اساسی خود دست نیافته اند، بلکه همچنان با فقر و فلاکت

بیگاری و کراتی و بی‌خا تمامی دست به گریبانند، کارگران همچون گذشته مجبورند نیروی کار خود را در ازای مزد بخور و نمیری به سرما به داران بفروشند و عرق جبین شان جیب سرما به داران را پرتر کند. دهقانان همچنان از حق تصرف زمین کشت می‌کنند محروم اند و تحت ستم زمینداران و سرما به داران و عوامل آنها قرار دارند. کسه و بهیچوجه کاه رمنند و سرپا زان و... همه در خانه خرابی غوطه ورنند و سطح زندگی آنها همواره روبه وخامت نهاده است. مردم از آزادی بیان و تشکل، حق فعالیت سیاسی، و ابتدا شترین حقوق دموکراتیک محروم - اند، خلفای ستمش ایران و حشبا نه سرب کوب می‌شوند. نیروهای انقلابی و مبارز دسته دسته به جو خه‌های عدا مسپرده می شوند و خلاصه رژیم دیکتاتور ارتجاعی جمهوری اسلامی ترور و اختناق را بخدا علا رسا ندها است. توده‌ها تجربیات بسیاری را از انتخابات گذشته، رفتار دوم جمهوری اسلامی، انتخابات مجلس خبرگان، رفتار دوم قانوان اساسی، انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی و وعده‌های اذ و غشین رژیم را تجربه کرده اند و طبیعی است که میزان اعتماد توهم آنها به حاکمیت در همان حد است که در انتخابات با دو ماه پیش نشان دادند. زمانیکه خمینی میتوانست با یک دعوت میلیونها زحمتکش را به خیا بان بکشا ند دیگر سیری شده و بتاریخ پیوسته است. این سرشوت همه مرتجعینی است که به خلق پشت می‌کنند و در برابر حرکت تاریخی می‌ایستند. اگر در نخستین انتخابات ریاست جمهوری توده‌ها و وسیع مردم را انتخابات شرکت کردند - نسبت به بود که هنوز توده‌ها به میزان وسیعی با لئسبه دموکراتیک بودند و نیروهای انقلابی هنوز از امکان تبلیغ وسیع بر خوردا ر بودند. اما امروز که بنشتم توهم توده‌ها به حاکمیت درهم شکسته است، و جز اپورتونیستها تقریبا "تمام سا زمانها و شخصیتها یسای اپورتونیستها را در انتخابات را تجربه کردند و در عمل نیز نشان دادند - شده که تعداد وسیعی از توده‌ها در انتخابات شرکت نکردند، با این وجود رژیم با افاحت تمام که خاص رژیم جمهوری اسلامی، ما رگوس ها، بنوشها، آرای مهرها و امثالهم است حتی تا آنجا پیش رفته است که بنشتر میرسد تعداد شرکت کنندگان در انتخابات از - واجدین شرایط نیز بیشتر باشد.

لایحه احزاب در کنار رژیم جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۱

مردم در موقعیت ناراضی و اعتراض - عمیق بسر برده و نیروهای انقلابی سه مبارزه خونین و حماسه آفرینی علیه رژیم دست یازیده اند. و از سوی دیگر کمیته که فا در نسبت بر بخران غلبه کرده و نظم دلخواهش را برقرار کند کوشش میکند با اعدای سیاسی دسته جمعی و روزمره انقلابیون دستگیریهای یکروه گروه مردم خانه کردی - های کشته شده، تعطیل تمام روزها ماه های غیردولتی، ممنوعیت فعالیت تمام گروه ها و احزاب بجز حزب جمهوری اسلامی، مردم را مرعوب کرده و زمینه برقرار این نظم را فراهم کند. در چنین شرایطی است که رژیم میخواهد به تمام اقدامات ضد خلقی اش - جامعه عمل بپوشاند. آنچه وظیفه مجلس سنی اعتبار در این اوضاع و احوال است بنصوب برساندن همه طرحها و لوایح مردمی است که در انبار رگمیسیونها مانده بود و حال بهترین فرصت برای رژیم است که آنها را بنصوب برساند. بی جهت نیست که در این شرایط برای آنکه بتواند هدایت لازم برای تشکیل جلسه (یعنی سه نفر) را داشته باشد یا شهادت الهی خیمینی و هاشمی رفسنجانی به همه نمایندگان - انستیتا توم دادند که اگر در مجلس حاضر نشوند چنین و چنان خواهد کرد و با این تهدیدها نمایندگان زبون و ترسو پیرال مجلس نظیر با زرگان ها که طبعی اعلامیه ای و حجت بر مجلس جا کم یافتند در مجلس حاضر نخواهند شد. "تا وقتی شرایط ترورو و وحشت بر مجلس جا کم یافتند در مجلس حاضر نخواهند شد" تا یک "شردست از با در اثر در مجلس شرکت کردند. و حزب سعی کرد - برای کسری تصاب نمایندگان - حتمی رژیم را راهم برانگاز به مجلس بیاورد! در یک چنین جواختناقی و با یک چنین برسانه ریزیهای بی اساسی که طبعی ارتجاعی، ضد دموکراتیک و ضد خلقی است فعالیت احزاب بنصوب مجلس میرسد.

رژیم جمهوری اسلامی اسامال را سال قانون نامنها دودر این نام گذاریم نقشه ها داشت. او میخواهد نظم بورژوازیست را با تدوین قوانینی مناسب خودش با بر جا کند. از این جهت او تصمیم داشت و دارد همه چیز را در چارچوب نظم قانون خودش بکنجا بندد در این جهت هر چه را که در این چارچوب بکنجا بندد و مجاز له کند. اما اجرای این برسانه در همه زمینه ها آرزیمان آسان هم نبوده و نیست. زیرا پس از قیام، مردم نظم خود را به حاکمیت تحمیل کرده و علیرغم خواست و آرزوهای سیاسی نظیر فعالیت گروهها و انتشار نشریات و کتب را بزور به حاکمیت تحمیل کردند. از این رو رژیم از مدتها قبل با حمله به نیروهای انقلابی، محدودیت فعالیت آنها، دستگیری و ایشان و صدور اعلامیه های بی دربی دادستان - انقلاب کوشش میکرد زمینه را برای سلب حقوق سیاسی و اجتماعی گروهها فراهم کند.

مادرشماره های گذشته کار، طرح فعالیت احزاب را هنگامی که به مجلس ارائه شد، بطور مشروح مورد بررسی قرار دادیم. و نیازی به بررسی مجدد آن - نمی بینیم مضاف بر اینکه، قانون تصویب شده، تفاوت ماهوی با طرح اولیه ندارد و

تنها می توان گفت جنبه ارتجاعی آن تندید شده است. همبستفردیستند می کنیم که این قانون عملاً "تسری بال و دم" است کمی بنا گروه سیاسی ترسیم کرده و تصویریه که از گروه سیاسی بدست میدهد در بهترین فرمش گروهی خواهد بود دولتی و یا تا شید کننده حکومت ولذا هیچ گروهی که تغییر بنیادین هدفش باشد واقعاً "یکه" "مارکسیسم" و سوسیالیسم علمی معتقد باشد نمیتواند در چارچوب این قانون وجود - عملی داشته باشد. و اینکه هدف اساسی قانون نه تنها از محتوا خالی کردن تمام گروههای سیاسی است، بلکه شوراها، سدیگاها، انجمنهای صنفی مذهبی نیز مشمول مقررات ارتجاعی و ضد دموکراتیک این قانون شده و فاشاها خواهد شد است و خلاصه اینکه گروه تحت ما بنطسه قانون احزاب ما کند موشی در قفس خواهد بود که تمام رفتار و کردارش زیر دهن بین حاکمیت و دستگاها ای منبیتی اش قرار داشته و با دیده سازحاب و ولینعمتش بر قضا!

نگاهی به قانون فعالیت احزاب - نشان میدهد که این قانون عکس بر - گردان قانون سیاه را می در مورد - احزاب است که همال پیش در شرایط سرکوب نیروهای انقلابی و جنبش توده ای به تصویب رسیده و هدفش تعطیل کردن تمام احزاب موجود است و در شرایطی که تمام تحت این قانون بمدت ده سال خیالش از احزاب "ما" راحت باشد. از آنجا که سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در - هدف سرکوب خلق با رما شاه همدستانند تصور کرده اند که تنها گذاردن قانون - است که معجزه میکند. آنها بخیال خود با تصویب قانونی بنام فعالیت احزاب - دست کمی از قانون سیاه ۱۳۱۰ ندارند. - آرزوی ایجاد گورستانی رفا شاه را در مخیله علین خوش گنجانده اند. غافل از آنکه از اینک شرایط امروز ایران با شرایط ده سال پیش تفاوتی زمین تا آسمان است رفا شاه پس از یکدهه که سرکوب نیروهای انقلابی را به پیش برد و جنبش توده ای با بیان داد و ما نورها و فرمهای بی در زمینه از میان برداشتن سلسله قاجار که مورد ستفرد شدید مردم بودند و... انجام داد، آنوقت دست به تدوین قانون سیاه زد. در حالیکه رژیم جمهوری اسلامی سران را از سرگشتگی بدست گرفته و میخواهد در شرایط روبه - اعتدالی کنونی و در شرایطی که حدود هشتاد درصد با شرایط امروز فرق دارد، قانون احزاب را به مردم تحمیل کند!

رژیم هنگامی قانون احزاب را به تصویب رسانده و میخواهد آنرا پیاپی ده کند که توده ها همه قوانین رژیم را بر سرشوال کشیده اند. توده ها نه تنها قوانین، بلکه خود مجلس "قانونگذار" را هم بر سرشوال برده و با نا اعتمادی ندارند. وقتی مردم دیگر به مجلس حتی بعنوان مضحکه و نمایش همسوجهی نمی کنند دیگر قوانین آن جای خود را ندارند. امروز اکثریت وسیعی از مردم به نهاد های حکومتی نظیر ریاست جمهوری، مجلس، هیئت دولت، شورا، کمیتهای با بی تفاوتی نگاه میکنند. آنها اگر اکنون فعلاً نه در جهت نفی و با بودی آنها حرکتی نمیکنند ولی اعتمادشان از این نهادها سلب شده است. امروز توده ها خواستار برپه بودی وضع زندگی، رفع بحران اقتصادی، تامین آزادیهای اساسی، تامین حقوق و آزادی دموکراتیک برای اقشار خلق، آزادی فعالیتها ی احزاب - و گروهها و شوراها و آزادی مطبوعات -

نتایج انتخابات و...

بقیه از صفحه ۱۷
با زدیایبکنه سرنگون شود، و مطمئناً - حزب سیاست سرکوب آشکارا ادامه خواهد داد. اما در شرایطی که بحران اقتصادی فقرو کراتی، وحدت تشارکهای اجتماعی و درگیریهای طبقاتی مداوم تشدید می شود، این سیاست سرکوب و اختناق، با این سلب حقوق و آزادیهای سیاسی نمیتواند نتیجه ای جز تشدید بحران کنونی، اعتلا جنبش توده ای وحدت درگیریهای قهر آمیز با آورد. حزب جمهوری اسلامی جنگ داخلی را آغاز و بخلق تحمیل کرده است. از این رو چشم انداز آینده، گسترش مبارزات قهرآمیز، عمده بودن اشکال مبارزه غیرقانونی و غیر پارلمانی - و جنگ داخلی است.

در سیاست خارجی، رژیم جمهوری - اسلامی پیش از پیش منظور فاشی آمدن بر بخران داخلی و بسهمود موقعیت بین المللی خود به سوی امپریالیستها و زو و بندهای آشکار و پنهان با آنها ادامه خواهد داد. زیرا یکی از اهداف رژیم نیز در انتخابات اخیر جلب حمایت وسیع تر و گسترده تر، و فعالتر امپریالیستها بود. رژیم کوشید تا با این نمایش به امپریالیستها نشان دهد که از زیات و اعتبار کافی برخوردار است. هنوز توده ها از او حمایت می کنند و بنا بر این لیاقت اش را در کجا از حمایت و پشتیبانی مادی و معنوی امپریالیستها برخوردار کرده. از این رو با بد نظار داشت که در این انتخابات تا حد گسترش بریعیتر روابط خارجی رژیم با امپریالیستها، تسریع عقد قرارداد های امپریالیستی، افزایش سریع ضربه های امپریالیستی و گرایش بیشتر سوی سرمایه گذار یهای امپریالیستی با شوم. اما نه انتخابات قلابی و فرمایشی، نه سیاست ترور و اختناق و نه مناسبات و روابط نزدیک تر با امپریالیستها هیچک قادر نیست رژیم جمهوری اسلامی را در برابر اعتلا جنبش توده ای و چشم انداز تسعیم و گسترش بحران سیاسی از سقوط حتمی نجات دهد. همان گونه که "قانون خمینی با حادثه ترین درگیریها، سرکوب و قهر و اشکال مبارزات غیرقانونی و قهرآمیز آغاز کرد - انتخاباتی که بقصد تثبیت با صلاح - "قانونی" حزب نیز صورت گرفت نمی تواند جزیی شایسته، نا توانی و سرنگونی حزب جمهوری اسلامی نتیجه آیرا در برداشته باشد.

نشریات و کتب و با لآخره شرکت آزادانه در سرکوب خویش هستند ولی میداندند که این حکومت و این مجلس و این شورای - تکلیفان و این ولایت فقیه با این خواست ها پاسخ نخواهند داد، و از این سرکوب که به راههای دیگری برای تامین چنین خواستهایی رهنمون میشوند. و در این میان رژیم به عیب میکوشد تا دو بیسی قوانینی نظیر قانون ارتجاعی احزاب و قضا و... موقعیت خویش را تثبیت شده جلوه گر سازد. رژیم با بدید اندکسه تصویب چنین قوانینی کار بسپوده است و قبل از آنکه حتی مردم را مضمون این قوانین مطلع شوند، این قوانین به با بگانی تاریخ سپرده شده است.

استقلال - گمار - مسکن - آزادی

یادشدهای مرداد ماه گرامی باد

تک است خون من در دست کارگر / دایم است خون من در دست درویش

مرداد ماه هر سال یادآور قهرمانی ها و حماسه آفرینی های فداکارانه است که در سالها پیش در دیکتاتور، پیتا پیش خلق دست به مبارزه مسلحانه با رژیم مزلویر شاه زدند و خونشان خط سرخ شده که تا بهمن ۸۷ راه انقلاب را روشن بخشد و پس از آن نیز در راه مبارزه با امپریالیسم جهانی و پیکاه داد خلیش مبارزه ادامه خواهند داد.

- ★ فدائی شهید رفیق احمد زبیروم - مرداد ۱۳۵۱
- ★ فدائی شهید رفیق فریدون شافعی - مرداد ۱۳۵۱
- ★ فدائی شهید رفیق فرخ سپهری - مرداد ۱۳۵۱
- ★ فدائی شهید رفیق فرامرز شریفی - مرداد ۱۳۵۱
- ★ فدائی شهید رفیق مهدی فضیلت کلام - مرداد ۱۳۵۱
- ★ فدائی شهید رفیق محمد مفاری آشتیانی - مرداد ۱۳۵۱
- ★ فدائی شهید رفیق عباس جمشیدی رود - باری مرداد ۱۳۵۲
- ★ فدائی شهید رفیق جهان بخش بایداری - مرداد ۱۳۵۴

- ★ فدائی شهید رفیق زین العابدین رشتچی - مرداد ۱۳۵۴
- ★ فدائی شهید رفیق غلامرضا با نژاد - مرداد ۱۳۵۴
- ★ فدائی شهید رفیق عبدالله بیدختی - مرداد ۱۳۵۴
- ★ فدائی شهید رفیق حسین علی اللهیاری - مرداد ۱۳۵۴
- ★ فدائی شهید رفیق مرتضی فاطمی - مرداد ۱۳۵۵
- پس از قیام مهرشکوه بهمن ۵۷ نیز فداکاران خلق همچنان به مبارزه با امپریالیسم جهانی و پیکاه داد خلیش در کناره خلیق قهرمان میهنمان گام برمی داشتند و هم چنان نیز مورد کینه و عداوت وابستگان به امپریالیسم قرار داشتند. تنها در - مرداد ۱۳۵۸ چهار رفیق فدائی توسط مزدوران رژیم جمهوری اسلامی ترور و اعدام شدند.
- ★ فدائی شهید رفیق یوسف کشی زاده - مرداد ۱۳۵۸
- ★ فدائی شهید رفیق هرمزگرچی بیانی - مرداد ۱۳۵۸
- ★ فدائی شهید رفیق سعید میرشکاری - مرداد ۱۳۵۸
- ★ فدائی شهید رفیق ونداد ایمانی - مرداد ۱۳۵۸

یاد رفیق فدائی بهمن راست خدیو گرامی باد

نوجوانی با مبارزه آشنا شد و بتدریج به دادن آگاهی به دوستان زحمتکش خود پرداخت.

ولی بخاطر تنگدستی و فشار زندگی مجبور بود که درس شانسی را سالکی شبها به صید ماهی پرداخته و روزها به تحصیل ادامه دهد. بهمن هنگامی که زاندار ماهی شاه دستور ممنوعیت صید ماهی در میگردید و صیادان آتش میگشودند در دل شبهای زمستانه نیردا موج و طوفان دریا می شتافت تا برای امیر معاش خانواده خود به صید ماهی بپردازد. از همان هنگام وی به مبارزه خود شدت بخشید. بعد از اتمام تحصیل از خدمت سربازی فرار کرد و گفت: "رژیمی که طرفدار سرمایه داران خونخوار باشد هیچوقت نباید در استواری آن گویا بود. و سربازان خدمت کرد." رفیق چندین بار تحت پیگردن واک و شهرستانی قرار گرفت که هر بار با هوشیاری او ناکام ماندند. در سال ۱۳۵۵ از دست ماموران رژیم آراستار به تهران و از آنجا به مراغه گریخت. در جریان قیام به مبارزات سازمان جلب شد. پس از قیام به زادگاهش بازگشت و با روحی پاک و عزمی راسخ و با زبانی ساده به مبارزه خود ادامه داد. وقتیکه بنیاد مسکن در آستانه تشکیل شد و زمینها را بین اعضای حزب جمعآوری



در روز دوشنبه اول تیرماه در جریان راهپیمایی هواداران با زمان در آستانه رفیق بهمن راست خدیو در یورش پاسداران سرمایه را هیمایان به شهادت رسید.

رفیق بهمن راست خدیو سال ۱۳۳۲ در یک خانواده کشاورز در محله ما هیکران بدنیا آمد. پدر بزرگ او در سال ۱۳۲۴ توسط رژیم شاه دستگیر و در خرم آباد (لرستان) و بندر عباس و بزرگان و به سیکاری کشیده شد تا اینکه در زندان به شهادت رسید. رفیق بهمن نیز از سنین

یورش به تجمع خانواده های زندانیان سیاسی جلوزندان اوین!

در پی موج سرکوب مزدوران رژیم جمهوری اسلامی که در دوسه هفته اخیر منجر به دستگیری و اعدام و ترور و نیروهای انقلابی شد، جلوزندان ها و کمیته ها و بخصوص جلوزندان اوین تبدیل به مرکز تجمع خانواده های جوانانی شده است که از سرنوشته زندان مبارزان انقلابی خودی خبرند. تا بحال چندین خانواده هایی که جلوزندان اوین جمع می شوند مورد یورش پاسداران و ضرب و شتم آنها قرار گرفته اند. این پاسداران سرمایه که زندانیان آزادیخواه را در مبارزان شده اند حاضر نیستند حتی اطلاع دقیقی از وضع آنها در اختیار ماموران و پدرا نشان قرار دهند.

روز بیستم تیرماه هنگامی که گروه زیادی جلوزندان تجمع کرده و خواستار اطلاع از وضع فرزندان خود بودند، گفته شد لیست اسامی زندانیان اوین را می خواهند، بعد از دو ساعت انتظار، پاسداران شروع به خواندن اسامی کرد و حتی با بی شرمی تمام اسم (عباس امیران نظام) را جزو اسامی مبارزین خوانده و زنده زنده زیر خنده و گفتند "اسامی جاسوس ها و ساواکی ها را نمی خوانیم، اسامی فرزندان ما را میخوانیم!" خانواده های که هنوز از سرنوشته فرزندان خودی خبرند برای اعتراض به این وضع روز بیست و سوم به جلومجلس رفتند و تا ماهی به نما بینندگان مجلس دادند. اعظم طالقانی با خانواده ها صحبت کرد و به تمام آنها "قول رسیکی داد" نتیجه اش این شد که روز بعد هیچکس را نمی گذاشتند از سربازک وی وارد - جاده اوین شود! خانواده های که هنوز به جلومجلس رفته بودند و اکثر آنها که جلومجلس حرفی زده بودند موقع رفتن به خانه مورد تعقیب قرار گرفته بودند!

از نمونه های وقاحت پاسداران - سرمایه داری مقابل مردمی که با قدرت خود در زندان ها و از جمله زندان اوین را گشوده بودند و انقلابیون را آزاد کرده - بودند روز شنبه بیست و هفتم تیرماه اتفاق افتاد در این روز جلوزندان بسیار شلوغ بود اما ملاقات نمی دادند. پاسداران آمد و گفت "اینجا نیستید و آب رویتان می پاشم" ما در مستی گفت "اینهمه ظلم نکنید و اگر نه مثل کجوشی سزای عمالتان را می بینید" دوباره پاسداران صله دختر جوانی را که همراه این مادر بودید داخل زندان بردند. مردم زن مذکور و دختر دیگرش را در بین خود پاش دادند. اما بعد از مدت کوتاهی پاسداران دوباره آنها را یافتند ما در پیرو با کتک و ضرب و توهین و سایر وضعی فجیع گرفتند و او را داخل زندان بردند. پاسداران دیگر پاشخ اعتراضات مردم را با شلیک تیرهای هوایی دادند. یکی از مادران می گفت "بزنید، بزنید، دیر نیست روزی که دوباره با دست خودمان اینجا را فتح کنیم و شما را به سرنوشته ما واکتیا و زندانیانهای شاه گرفتار کنیم".

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر